

سرنوشت انقلاب با سرنوشت پیگیرترین و اصیل ترین انقلابیون ایران گره خورده است

بیش از ده هزار توده‌های در سیاهچالهای ج ۱۰۱۰ به سر می‌برند. بسیاری از آنان تا کنون زیر شکنجه‌های دد-منشانه کارگزاران امپریالیسم و متحدان داخلی از پای درآمد ماند. جلادان سرمایه و ارتجاع، آشکارا ساطور خویش را برای قتل عمام اعضا و هواداران حزب تیز کرد ماند و می‌کنند. کارزار انقلابی برای نجات جان توده‌های دریند، در مقیاس بین‌المللی گسترش می‌یابد. صرف نظر از آنکه فشار افکار عمومی ایران و جهان، چنین انتقام‌گیری خونین و افسار گسیخته‌ای را از انقلاب و پی‌گیرترین مدافعان آن در کجا متوقف کند، این پرسش باقی می‌ماند که توده‌های این بهای گزاف را در برابر چه سودی برای انقلاب و مردم ایران پرداخته‌اند و این ایثار سترگ، چه ثمری برای انقلاب مردم به بار آورده است؟

انقلاب، دستاورد زرفش آگاهی توده‌هاست

انقلاب بهمن ماه مردم ایران - چون هر انقلاب دیگری - دستاورد زرفش آگاهی توده‌ها و تبدیل آن به نیروی بقیه در صفحه ۲

راه
توده

شهرمادران حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۸ آذر ۱۳۶۲ مطابق
۹ دسامبر ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۷۱
پهنا ۴۰۰ میل

”محاكمة“ توده‌ای هادر بیدادگاه‌های نظامی، پشت درهای بسته...

مردم مترقی جهان بر بانی دادگاه‌های فرمایشی و خالی از اغیار توده‌ای هارا محکوم می‌کنند! اولین جلسات ”بیدادگاه“ های ج ۱۰۱۰، روزهای ۱۵ و ۱۶ آذر تشکیل شد. این دادگاه‌های فرمایشی که از هیئت میزبان و معیاری تبعیت نمی‌کند و بر اساس ”مدارک“ و ”شواهد“ سیا ساخته و ارتجاع پرداخته استوار شده، بدون حضور خبرنگاران و وکلای مدافع ”متهمین“ و نمایندگان برگزیده و شخصیت‌های حقوقی جهانی که تمامی افکار عمومی بین‌المللی بر حضور آنان پافشاری کرده‌اند، در ”محاکم نظامی“ برگزار می‌شود. از ابتدای دستگیری توده‌های مدافع بقیه در صفحه ۱۵

بودجه سال نو: نه استقلال، نه رفاه!

پیش‌سوی وابستگی بیشتر به امپریالیسم و فقر روزافزون زحمتکشان دولت راستگرایان و تسلیم شدن به امپریالیسم و ارتجاع، بودجه سال ۱۳۶۳ را به مجلس شورا برده است. بودجه سال نو، به گفته نخست‌وزیر ”برنامه یک ساله کشور، در قالب برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ج ۱۰۱۰ است“ (سخنرانی نخست‌وزیر در مجلس - جمهوری اسلامی - ۱۹ آذر ۶۲). برنامه پنج ساله اول، چنانکه پیش از این به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است (راه توده - شماره ۵۹) برنامه احیاء و ترمیم و نو سازی نظام کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی وابسته به امپریالیسم است. بودجه سال نو، در این راستا از چهارچوب برنامه پنج ساله نیز در می‌گذرد. آقای بانکی سرپرست سازمان برنامه و بودجه می‌گوید:

”ماهیت تنظیم بودجه در این است که در برنامه صرف نظر هم می‌شود سال به سال و تغییراتی هم می‌شود“ (رادپو ایران - ۱۴ آذر ۶۲).

نگاهی گذرا به بودجه سال نو، بیانگر آنست که این تغییرات جز به زیان مردم، و به سود سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ صورت نگرفته است. نخست‌وزیر ادعا می‌کند:

”دولت خدمت گزار... قویا معتقد است که در شرایط کنونی... باید میان استقلال و رفاه یکی را انتخاب کرد!“

تکلیف رفاه زحمتکشان روشن است: همه وظیفه داریم که رفاه طلبی را تشویق نکنیم! اما سخن گفتن از سمت‌گیری استقلال طلبانه سیاست بقیه در صفحه ۱۴

نمایش اشباح مسخ شده قربانیان زندان اوین، کابوس بازداشتگاه‌های مرگ هیتلری رادراذهان مردم جهان زنده کرده است

نظری به تاریخ سرکوبهای حزب توده ایران و علل آن

از بد و تشکیل و آغاز نبرد افتخار آفرین حزب توده، ایران‌دور راه تأمین منافع طبقه کارگر ایران و زحمتکشان شهر و روستا، دشمنان سوگند خورده مردم ایران و خدمه سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ارتجاع و امپریالیسم، همواره ماهیت طبقاتی و خصلت کارگری و خلقی حزب ما را آماج اتهامات ناجوانردانه خود قرار داده‌اند، و کوشید مانند تا سیمای مردمی آن را دگرگونه جلوه دهند. بقیه در صفحه ۴

احزاب سازمانها و جمعیت‌های مترقی و دمکراتیک جهان: خطر اعدام، جان توده‌ای‌های دریند را تهدید می‌کند!

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

سرنوشت انقلاب با سرنوشت پیگیرترین و اصیل ترین انقلابیون ایران گره خورده است

بقیه از صفحه ۱

مادی ویرانگر و سازنده بود . ویژگی انقلاب بهمن آن بوده که به دلایل گوناگون تاریخی اکثریت آن توده " میلیونی ای ، که رژیم مستم شاهی را سرنگون کرد ، جز تصویری مبهم از آماج های اساسی انقلاب ، تصویر دیگری در ذهن نداشت . اهداف ، منافع و سیاست های نمایندگان طبقات مختلف را چندان نمی شناخت و در سازمان های صنفی و سیاسی خود متشکل نبود . در این شرایط ، انقلاب بهمن جز با تعمیق آگاهی و افزایش سطح سازمان یافتگی زحمتکشان نمی توانست به پیروزی های بازگشت ناپذیر دست یابد .

اما ژرفش آگاهی و سازماندهی توده های میلیونی ، که برای نخستین بار در صحنه مبارزه سیاسی حضور می یافتند ، کاری سترگ و نیازمندی به تدارکات عظیم سازمانی و سیاسی علمی و انقلابی بسود . آگاهی توده ها ، به ویژه در جریان انقلاب ، نه با آهنگ تند و پرسوز و گسداز شعارهای گروه کوچک روشنفکران انقلابی ، بلکه به اتکای تجربه عینی خودشان ، و همگام با تجربه آموزشی کم و بیش کنند ، اما استوار و قاطع مردم افزایش می یابد . برای سازمان دادن و هدایت این تحول سرنوشت ساز وجود سازمان های نیرومند و گسترده ای که با توده ها و مبارزه علمی و روزمره آنان پیوند دارند ، و از نظر سیاسی نیز هم گام با دانش سیاسی و طبقاتی دم افزون مردم گام بر می دارند ، ضرور است . پیوند این تنها راه تحکیم و تثبیت و گسترش و بازگشت ناپذیر کردن دستاوردهای انقلاب ، پیش از هر چیز ، نیازمند ایثارگری همه جانبه گردان های پیشاهنگ انقلابیون ایران بسود .

جامعه انقلابی ما ، حتی پس از پیروزی انقلاب بهمن ، هرگز میدان امنی برای انقلابیون نبود . از فردای پیروزی انقلاب روشن بود ، که امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی ، و متحدان امروز و فردای آنان ، گنجه این انقلاب شکوهمند را بر مردم ایران نخواهند بخشید ، و به ویژه اصیل ترین انقلابیون ایران ، که حساس ترین نقش را در تدارک پیروزی نهایی و بازگشت ناپذیر انقلاب به عهده می گیرند ، آماج کینه و انتقام جویی ددمنشانه آنان قرار خواهند گرفت . حزب توده ایران ، دوره نوین فعالیت انقلابی خویش را در چنین شرایطی آغاز کرد ، و چنانکه شایسته حزب طبقه کارگر ایران است ، تمامی نیروی خویش را ایثار گرانه ، در جهت تحکیم و گسترش انقلاب مردم ایران صرف کرد .

نقش سیاسی منحصر به فردی که حزب توده ایران در جریان بسط و اعتلای انقلاب بهمن ایفا کرد ، بر کسی پوشیده نیست . دقت و اصولیت علمی و انقلابی مشی حزب توده ایران ، اتحاد و مبارزه " و پایداری و بی گمبری و استواری اعضا و هواداران حزب ، به زودی موجب آن شد که

مجموعه حزب ، هم چون وزنه سنگینی در جهت ژرفش آگاهی توده ها و رهبران گردان های مختلف انقلابی و تحکیم و تثبیت و پیشبرد دستاوردهای انقلاب عمل کند ، اما پیگر حزب حتی در خاطر انگیز ترین روزهای پیروزی انقلاب لحظه ای از گزند دشمنان رنگارنگ و خرد و کلان انقلاب در امان نبوسد . راست گسرایان ، انحصار طلبان و قشرین تنگ نظر و جاهل ، لفظهای از خط و نشان کشیدن برای حزب و آنجا که دستشان می رسید ، وارد آوردن ضربه های کین توزانه بر آن فرو گذار نمی کردند . در این دوره نیز صدها تن از اعضای حزب به زندان افتادند ، تنی چند از آنان ، بی گناه تیرباران شدند ، و اکثر آنان هنوز در سیاهچالهای ج ۱۰ به سر می برند . حتی شهدای حزب که در جنگ برای دفاع از میهن انقلابی شهید شده بودند ، از حق به خاک سپرده شدن در گورستانهای عسومی محروم ماندند . در آن زمان نیز ، بسیار بودند کسانی ، که از سرنیکخواهی ما را نصیحت می کردند ، که در دفاع از انقلاب چندان تند نرویم ، تا در برای شکست انقلاب دچار عواقب آن نشویم . اما برای تحقق امکان عینی پیروزی نهایی انقلاب بهمن ، راهی جز این نبود ، و انقلابی راستین رفیق نیمه راه مردم نیست . روزنامه " مردم می نوشت :

" واقعیات تاریخی حاکی از آنند که همواره این کمونیست ها بوده اند که در لحظه چرخش سیاست متحدان خویش ، از دوستان نیمه راه ضربه خورد ماند . نمونه چپین پس از سون سیات سن . . . ، نمونه مصر انوسادات ، سودان جعفر نمیری ، و عراق صدام حسین مشی از خوارند . سیاست همکاری کمونیست ها با دیگر نیروهای خلقی و انقلابی ، همواره آنان را در معرض قربانی شدن ، در نخستین حمله ارتجاع قرار داده است . با این همه کمونیست ها ، که این سیاست را جز به سود خلق نمی دانند ، پذیرفتند که سرنوشت انقلاب با سرنوشت آنان گره بخورد و در سرآغاز شکست هر انقلابی ، آنها پیشاپیش خلق قربانی شوند " (نامه " مردم - شماره ۵۰۲) چنین بود که حزب ما ، نبرد تاریخی و حماسی خویش را در حالی که حلقه محاصره دشمنان بر گرد آگرددش دم به دم تنگ تر می شد ، آخرین لحظه ، تازمانی که هنوز امکان عینی - هر چند محدود - برای پیروزی انقلاب وجود داشت ، ادامه داد . و کینه و نفرت اهریمنی دشمنان انقلاب و دوستان امپریالیسم و مدافعان کلان - سرمایه داری و بزرگ مالکی را به جان خرید ، تا به یاری تجربه آموزشی روزمره توده ها ، پیسروزی نهایی انقلاب بهمن را تدارک ببیند . ساده اندیشی است اگر تصور شود ، که بسا سرکوب حزب توده ایران ، این نقش خاتمه یافته است . آنان که آگاهانه این مضمون را تبلیغ

می کنند ، جز هم صدائی شرم آور با جلادان رژیم کاری انجام نمی دهند . روند تجربه آموزی عینت توده ها ، به کمک افشاگری و روشن گری روزمره توده های ما ، هم چنان ادامه دارد و جریان سرکوب حزب توده ایران خود فرازی از این روند تعیین کننده است .

یورش به حزب توده ایران قطعاً عطفی در تجربه آموزی توده ها

محتوای اصلی سیاست " اتحاد و مبارزه " حزب توده ایران ، در دوره اعتلای انقلاب ، ژرفش آگاهی توده ها و افزایش سطح سازمان یافتگی زحمتکشان ، به اتکای مبارزه روزمره و تجربه عینی خود آنان ، و به کمک افشاگری و روشن گری همیشگی حزب بود .

این سیاست در عین حال هم چون یسک منبج فشار دائمی به رهبران مردم عمل می کرد . این رهبران ناگزیر بودند ، یا در راستای تحقق آماج های انقلاب پیش بروند و به تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب یاری برسانند ، و یا از این آماج ها سر برگردانند و پایگاه بسود های خویش را از دست بدهند .

دقت و اصولیت مشی حزب توده ایران ، تا بد آنجا بود ، که امپریالیسم و ارتجاع و متحدان نوین آنها ، جز با سرکوب انقلاب قادر به سرکوب حزب توده ایران متحد نبودند . این امر ، که ناشی از حقانیت حزب ما و اتکای ما به حقیقت و به منافع زحمتکشان است ، امروز نیز بزرگترین سرچشمه نیروی لایزال ، و بزرگترین سرچشمه نشر آگاهی انقلابی به اتکای تجربه عینی توده ها است .

در میهن انقلابی ما امروز کمتر زن و سرگرد زحمتکشی است که در دوران اعتلای انقلاب ، در میان بستگان و دوستان و همکاران خویش ، یسک یا چند توده ای را نشناخته باشد ، و به چشم خویش شاهد اصولیت ، صانت ، شجاعت و استواری و وفاداری توده های ما به آرمان های مردم نبوده باشد . زحمتکشان ایران ، امروز به چشم خویش می بینند که چگونه یک بار دیگر سرچشمی ازخواست های مردم ، و تن دادن به ملاحظ امپریالیسم و ارتجاع ، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و سنگ تمام گذاردن در سرکوب و اختناق ، با سرکوب اعضا و رهبران حزب توده ایران آغاز شده است .

این تجربه عینی توده های میلیونی در تار و پود یافت آگاهی و سنن مبارزاتی مردم ایران جوش می خورد و سنگ پایه اعتلای نوین جنبش می شود . شکست جنبش ملی شدن نفت همراه با زندان و شکنجه و تیرباران ۴۵۰۰ تن بسود های تجربه اجتماعی شگرفی بود ، که به اعتلای بسی سابقه جنبش انقلابی و پیروزی انقلاب بهمن بقیه در صفحه ۱۵

احزاب، سازمانها و جمعیت های مترقی و دمکراتیک جهان:

خطر اعدام، جان توده های دربند را تهدید می کند!

آمریکا

روز ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان) بنا به دعوت " کمیته دفاع از زندانیان توده های "، جلسه ای به منظور همبستگی با زندانیان و افشای جنایات حکومت ج ۱۰۱۰، در شهر ساکرامنتو واقع در شمال کالیفرنیا، برگزار گردید. در این جلسه تحلیل جامعی از آخرین تحولات ایران ارائه گردید، که طی آن سیاست راستگرای حکومت و سرکوب نیروهای هوادار انقلاب و به ویژه حزب توده ایران تشریح شد و پایمال نمودن مواد مترقی قانون اساسی از طرف حکومت، در رابطه با کشودن راهبرای نفوذ مجدد سرمایه های خارجی به ایران و چراغ سبز نشان دادن به امپریالیستها، که این مطلب را با وجد و شعف فراوان، در کنفرانس " ویلیامزبرگ " پذیرفتند، ارزیابی گردید.

اسپانیا

" کمیته همبستگی با زندانیان دمکرات در ایران "، با شرکت جمعی از برجسته ترین شخصیت های علمی، ادبی، سیاسی و فرهنگی استان کاتالونیا در شهر یارسلن تشکیل و برپایه

طی این تحلیل، هم چنین نشان داده شد، که چگونه دوستان واقعی انقلاب ایران، یعنی کشورهای سوسیالیستی، جنبش های آزادی بخش ملی و طبقه کارگر و مردم مترقی کشورهای سرمایه داری در سراسر جهان، با نگرانی این وقایع را دنبال می کنند و همبستگی بین المللی با قربانیان درجه اول این سیاست، یعنی توده های، این هواداران راستین منافع زحمتکشان و انقلاب ایران، چه ابعاد وسیعی کسب کرده است.

پس از آن، جلسه ضمن محکم نمودن سیاست تجاوز کارانه و توسعه طلبانه آمریکا در جهان و از جمله در خاور میانه و آنچه که جلادان دست-آموز " سیا " در سیاه چالهای ج ۱۰ بر سر کمونیست ها و دمکرات ها می آورند، به اتفاق آراء، خواستار وسعت بخشیدن به اقدامات، جهت نجات ایمن مبارزین از زندان ها و اعزام هیأتی بین المللی، مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران، به منظور بازدید از زندانیان و بررسی وضع آنان و نیز سرگزاری دادگاههای عینی برای کلیه مبارزین راه صلح و آزادی کشور ما، با حضور ناظرین بین المللی گردید.



۳- کوشش برای وادار نمودن حاکمیت ایران به انتشار لیست اسامی این زندانیان
 ۴- مبارزه در راه جلب هر چه بیشتر، هم-بستگی مردم آزادی خواه اسپانیا با خانواده زندانیان دمکرات در ایران

● واحد " جنبش مراکش برای اهداف انقلابی " در کاتالونیا، ضمن ارسال نامه ای به نخست وزیر ج ۱۰۱۰، خواستار آزادی فوری کلیه زندانیان توده های، قطع شکنجه های بربرمنشانه در مورد آنان و رفع تشییقات از حزب توده ایران گردیده است.

● موند و اوپرو، ارگان رسمی حزب کمونیست اسپانیا، در تاریخ اول دسامبر (۱۰ آذر ماه) در مقاله ای سیاست کنونی حکومت ایران، چرخش به راست و حراست از منافع سرمایه داران و بزرگ مالکان و در این زمینه ادامه جنگ فرسایشی و پوشاندن آن تحت شعارهایی از قبیل " جنگ، جنگ تا پیروزی! " بررسی گردیده و بر پایه آن، علل حمله به حزب توده ایران و شکنجه و آزار هزاران تن از اعضای آن که مدت ها است در زندانهای ج ۱۰ به سر می برند، و هم زمان، سرکوب هر گونه ندای حق طلبانه کارگران و دهقانان و سایر اقشار زحمتکش، تشریح شده است.

آلمان فدرال

آخن

بنا به دعوت " اتحادیه دانشجویان سوسیالیست " آخن، در تاریخ ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان)، جلسه ای توضیحی در رابطه با مسائل منطقه و ایران برگزار گردید، که در آن اعضای " اتحادیه " و وعده های از شخصیت های سیاسی شهر حضور داشتند.
 در این جلسه، نظریات حزب توده ایران در مورد وقایع ایران و منطقه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به ویژه مسأله بازداشت و شکنجه، بقیه در صفحه ۱۱

اهداف زیر آفاز به کار نمود:
 ۱- تلاش در جهت اعزام هیأتی مرکب از وکلای پزشکان اسپانیایی به ایران، جهت بازدید از زندانیان سیاسی دمکرات در ایران و بررسی چگونگی وضع آنان
 ۲- تلاش در راه وادار نمودن حاکمیت ج ۱۰۱۰، به رعایت حقوق زندانیان سیاسی این کشور

اهداف زیر آفاز به کار نمود:
 ۱- تلاش در جهت اعزام هیأتی مرکب از وکلای پزشکان اسپانیایی به ایران، جهت بازدید از زندانیان سیاسی دمکرات در ایران و بررسی چگونگی وضع آنان
 ۲- تلاش در راه وادار نمودن حاکمیت ج ۱۰۱۰، به رعایت حقوق زندانیان سیاسی این کشور

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

نظری به تاریخ سرکوبهای حزب توده ایران و علل آن

از تاریخ عمومی مبارزات خلق های میهن ما را در بر می گیرد .

دومین یورش

در طول سال های جنگ جهانی دوم ، حزب توده ایران عمده ترین نیروی سیاسی ای بود ، که بارش گرایشها و تمایلات فاشیستی در جامعه به مبارزه برخاست ؛ و از این رو نیز ، سازمان ها ، دفاتر و ارگانهای آن - سه دفعات - مورد حمله و هجوم گروهکهای فاشیستی قرار گرفت .

پایان جنگ دوم جهانی در ایران ، با اوچگیری جنیش ملی در کردستان و آذربایجان مصادف بود .

جنیش مسلحانه آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲۴ که به پیروزی سریع جنیش انجامید ، انعکاس یک ضرورت تاریخی بود . یک سال حکومت انقلابی در آذربایجان ، پیروزی عظیمی

بقیه از صفحه ۱۶

امروز نیز ، شریف ترین میهن دوستان ایسران ، تود مایها ، فدائیان (اکثریت) و همه انسان های شریفی که علیه شاه و دژخیماناش ، بی امان رزمیدند و در این راه هزاران سال زندان و تبعید به جان خریدند و صد ها شهید به پیشگاه خلق تقدیم داشتند ، مورد کین توزانه ترین یورش ها و حملات ارتجاع و امپریالیسم قرار گرفتند . سرکوب حزب توده ایران هیچگاه آن نتایج مطلوبی را که دشمنان مردم ایران ، آرزو داشتند ، به بار نیاورده ، زیرا این جریان نیرومند انقلابی که ریشه در کار و دانش دارد ، از ضرورت های تاریخی عینی جامعه ما سرچشمه می گیرد ، زیرا تنها برنامه و آماجهای انقلابی آن است که پاسخگوی واقعی نیازها و خواست های مردم ماست .

بر پایه همین واقعیت باید گفت این بار نیز ، یورش ارتجاع ، حتی از نوع " اسلامی " آن راه به جایی نخواهد برد . گواه این مدعا ، تجربه پیش از ۷۰ سال جنیش کمونیستی کارگری و ۴۲ سال تاریخ پر افتخار حزب توده ایران است ، که پس از هر سرکوب با قامتی افزاشته تر پرچم خونین جنیش خلق را بر دوش گرفته و مشعل راهنمای پیشتازان انقلابی شده است .

به این تاریخ غرور آفرین ، نظری بیفکنیم :

اولین یورش و سرانجام آن

سرکوب جنیش انقلابی جنگل ، با به قدرت رسیدن رضا خان هم زمان بود . رضا خان که با صحنه گردانی امپریالیسم انگلستان سرانجام به سلطنت رسید ، در ادامه قلع و قمع جنیش انقلابی و ضرباتی که بر حزب کمونیست ایران وارد آورد ، سرانجام با استناد به قانون سیاه ضد کمونیستی ۱۳۱۰ ، آخرین سازمانهای حزب کمونیست را سرکوب کرد (امیر انتظام جاسوس سر سپرده آمریکا و سخنگوی دولت موقت به استناد همین قانون حزب توده ایران را هم چنان غیر قانونی می دانست)

اما غرض قهرمانانه دکتر ارانی ، آموزگار کارگران و زحمتکشان ایران هنوز خاموش نشده بود ، که ، بساط دیکتاتوری وابسته رضا خانی فرو ریخت و شاگردان و هم زمان دکتر ارانی ، حزب توده ایران را به مثابه ادامه دهنده پی گیری سنن پر افتخار حزب کمونیست ایران بنا نهادند . تشکیل حزب توده ایران ، حزب طراز نویسن طبقه کارگر ایران ، تأثیر عمیقی در راستای ترفش و گسترش جنیش رهائی بخش مردم ما نهاد . نقش رهبری کننده سیاسی و ایدئولوژیک حزب توده ایران ، و الگوی سازماندهی انقلابی آن آنچنان با بافت جنیش زنجیری بخش ملی میهن ما پیوند خورد ، که سیل خروشان حوادث خونین ، نتوانست آثار آن را از صحنه زندگی مردم ایران زایل کند ؛ تا آنجا که تاریخ فعالیت چهل و دو ساله حزب توده ایران ، بخش مهمی

به مسئله حاد جامعه بدل شده بود ، حزب توانست با گسترش مبارزات پی گیر خود در دفاع از خواست های حق طلبانه خلقهایمان ، پایگاه گسترده ای در میان توده مردم به دست آورد . رشد مجدد حزب ، پس از شکست انقلاب آذربایجان و کردستان و نفوذ اندیشه های آن در میان مردم درست در زمانی ، که مبارزات خلق های ما برای خلع ید از استعمار انگلیس اوج می گرفت ، باعث شد که امپریالیسم و ارتجاع ، در صد دسر - کوب مجدد حزب برآیند . ترور شاه معدوم در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ، برای هجوم دوباره به حزب توده ایران به دستاویزی بدل شد . اجامر و اوباش و پلیس و مأمورین رکن دو ، سازمانهای حزب را در هم کوبیدند و تابلوهای کلوب ها را - هر جا که باقی مانده بود - پائین کشیدند و ضرب و شتم و دستگیری و تبعید و شکنجه اعضا



و هواداران حزب ما در سرتاسر کشور " قانونی " اعلام شد و به مرحله اجرا درآمد . دو روز پس از ۱۵ بهمن و غیر قانونی شدن حزب توده ایران ، مذاکرات پنهانی نفت بیسن ایران و انگلیس آغاز شد . نتیجه این مذاکرات لایحهای بود ، که به نام لایحه الحاقی گس - گلشائیان معروف است . این لایحه چیزی جز تأیید و تعدید مدت قرارداد استعماری ۱۹۳۳ نبود .

سرکوب حزب توده ایران ، پیش درآمد حراج منافع خلق بود .

به دستور مقامات دولتی ، تعداد زیادی از رهبران و فعالین حزب دستگیر و تبعید شدند ؛ عضویت در حزب جرم شناخته شد ؛ مطبوعات حزبی به طور کامل تعطیل شدند ؛ سازمان های کارگری و همه سازمان های توده ای منحل گردیدند و فعالین آنها تحت پی گرد قرار گرفتند . ارتجاع امید وار بود ، که بر اثر این فشارها ، فعالیت حزب

بود که نه تنها ارکان موجودیت ارتجاع ایران و دستگاه سلطنت را لرزاند ، بلکه امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی را نیز دچار وحشت و غضب مرگباری کرد . از این رو ، تمام نیروهای سیاه اهریمنی داخلی و خارجی ارتجاع در مقابل این انقلاب ، صف متحدی را تشکیل دادند .

انتقامی که ارتجاع به جرم یک سال کوتاه شدن دستش از حاکمیت این دو استان ، از مردم کشید ، سخت و خونین بود . ارتجاع محمد رضا شاهی سعیت بی سابقه ای در سرکوب مردم آذربایجان و کردستان از خود نشان داد ؛ سازمان های حزب در سراسر کشور زیر ضربه قرار گرفتند ؛ محافل امپریالیستی نخستین انشعاب در حزب توده ایران را سازمان دادند ؛ اما دیری نگذشت که حزب به سرعت صفوف خود را تنظیم کرد و به استقبال نبردهای تازه شتافت .

یورش سوم

در روزهایی که مبارزه با شرکت نفت انگلیس ،

نظری به تاریخ

بقیه از صفحه ۴

برای همیشه متوقف گردد و یا اینکه حزب به یسک گروه کوچک غیر فعال بدل شود. اما همه ایسن "پیش‌بینی‌ها" - مانند همیشه - غلط از آب درآید: حزب استوار باقی ماند و توانست بلافاصله پس از ۱۵ بهمن، سازماندهی مخفی خود را آغاز کند و با موفقیت پیش‌برد. نخستین اعلامیه های حزبی در بهار ۱۳۲۸ انتشار یافت و از دهم مهرماه همین سال، انتشار منظم روزنامه "مردم ارگان مرکزی حزب آغاز شد".

در ۱۸ اسفند ۱۳۲۷ تا اردیبهشت ۱۳۲۸، دادگاه رهبران حزب توده "ایران آغاز گردید و آنها علت هجوم به حزب را چنین بیان داشتند:

"چرم ما اینست که ملت ایران را از ایسن غارتگری راهزنان قرن بیستم آگاه ساختیم".

"چرم ما اینست که طبع چپاول ثروت ملی به دست استعمار چپان قد علم کردیم".

یورش چهارم

با وجگیری جنبش ملی شدن نفت، حزب توده ایران با تمام توان در صفوف مقدم مردم، وارد نبرد شد. نقش افشاگرانه، بسیج کننده و سازمان دهنده حزب در تعمیق جنبش دم بسه دم افزایش یافت. اعضا و هواداران حزب توده ایران و به ویژه افسران و نظامیان تودهای نقش ویژه‌ای در پیروزی قیام سی تیر ایفا کردند.

بار دیگر، امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی، با گردآوری همه نیروها و با یاری گرفتن از سازشکاری‌ها و معاشرتگری‌های نیروهای رهبری کننده انقلاب، سرکوب جنبش را آغاز کردند.

پس از تسلط مجدد امپریالیسم و ارتجاع بر میهن ما که دنبال کودتای خائنه ۲۸ مرداد و سرکوب حقیق و آزادی‌های دموکراتیک این پسر نیز، مانند همیشه قلب توده‌های ما آماج نخستین گلوله‌های ارتجاع قرار گرفت.

دیری نپائید که - در تابستان سال ۱۳۲۳، - مجلس لایحه تاراج نفت را، تحت عنوان ماده واحدی، به وسیله امینی به شور گذاشت. حکومت کودتا برای اینکه از بروز هر گونه مخالفتی جلوگیری کند مردم را مرعوب سازد، اولین گروه افسران توده‌های را به چوبه اعدام بست. گام های بعدی که در جهت تثبیت منافع امپریالیسم برداشته شد، اعدام های گروهی دیگر را به دنبال آورد.

شاه معدوم، دسته دسته تودهای را بسه اتهام "میهن فروشی و جاسوسی" به جوسخه های اعدام سپرد تا بتواند میهن ما را به جولانگه انحصارات امپریالیستی بدل سازد.

تاریخ حزب توده ایران، در سال های بعد از کودتا، سرگذشت رنج و درد و شکنجه و اعدام و زندگی در تبعید است. بیش از ۴۵۰۰ نفر از اعضا و هواداران حزب دستگیر شدند...

فارتگران مردم بیشتر و آسان تر از گذشته، منابع و ثروت های میهن ما را به چپاول برند. لکه های خون توده‌های‌ها یر شکنجه گاههای قزل قلعه، اوین و زندان های برازجان و شبراز و ... گواهان این قصه رنج اند. اما فریب فرور آفرین بانگ توده‌های‌ها، دریای چوبه های اعدام و در سیاهچالهای ستم شاهی دمی

آزمون میوه با مردم بسیار

فانته اندیشه با کفتر نیست
در عقل، اندیشه کردنیار نیست
ما و ما را بر خوری کفتر است
زندگی ما کردی، دروا طالب است

* * *

مرد کی بر خطا در روستا
از کمالش می بود او افسرد
از نوازش بهاران ننگه بود
ماه را در برکه ماهی می نمود
از بهاران را ز فصل خود شرد
صد درخت بر سر در و صد بزد

* * *

بدره هفتاس ابرو ایست
رهگشایی زندگی چون خوردنش
بی که در بند گرفت ای دیدند
پیروان او در رنجی بر بود
مدعی می یافت ماهی می نمود
دیگری در رنج و یا حس در جدل
سیرت را روز پیش از انبانی او
خلق را خلق گزینش آن او
مدعی بر نوازش از عقل و وجد
عشق مردم چون به سوز حق دیدند
با سیر بر شاخ و برگ درازند
رنج دهقان را نشان درازند
گفت لعل است سیه اش، همان بر خرد
سزایش مظهر غریب جنبش نظر

* * *

خاک بر فراز علی در آن گدا
کرد فریاد آفتاب بر حصار
گفت ای محزون بی بلا
بر دست کجی در دست و پهلوی
گر هر اسب نیست از اعضای کار
آزمون میوه با مردم بسیار
با شکست شایعه‌ها و برگ‌ها
در خیانت روزهای مرگ را
سبزی برگ از حضور شاهد نیست
چون سیر از نیمه های ریشه است
ریشه تا به خاک و آب است حجت
روشن است، لعلش جان در نیست
خاک را با خاکبان برینک هاست
آب در ریا بر پایی انسانیت
دانه نمایش از حواد باور است
باغ حکام بر سر روشکراست

م فصل اول ۱۳۲۲

خاموش نشد و فرس آن پاپیسه‌های حکومت شاه را به لرزه در آورد. آری هر شب ستاره‌ای از آسمان حزب و میهن به زمین کشیده شد اما باز ایسن شب وحشت را، ده‌ها ستاره تابناک روشنی بخشید.

یورش پنجم

در سالهای ۴۰، سازمان های حزبی دوباره در ایران گسترش یافت. امپریالیسم و ارتجاع با رخنه در صفوف حزب، سهمگین ترین ضربات را بر پیکر آن فرود آورد. اما این ترفند نیز، حزب را از پای در نیاورد.

سازماندهی نوین از دهه ۵۰ به سرعت پا گرفت. "به سوی حزب" راه را برای انتشار "نوید" هموار کرد.

درخت تناور حزب دارای چنان ریشه‌هایی در دل این آب و خاک بود که خزان شاخه های آن، نویسد بهاران بر بارتری را می داد.

شاه معدوم و همپالگی‌هایش در این طبل توخالی می‌کوفتند که دیگر اثری از حزب نیست و کنار آن یکسره شده است. سولی این شاه بود که کارش یکسره شد و به حکم تاریخ، که همیشه به پیش می‌رود، در اعماق زیاله دان تاریخ دفن شد.

با اوج گیری جنبش انقلابی که با تأثیر پیروی بسیج گر حزب توده، این سران و بسه پیروزی انقلاب بهمن انجامید، نقش رهبری کننده و چشمگیر آن در رقص انقلاب، بار دیگر در معرض تجربه مردم قرار گرفت. با پیشرفت انقلاب، نقش حزب در تثبیت و تحکیم و پیشبرد دستاورد های انقلاب، دم به دم حساس تر و سنگین تر می‌شد.

دقت و اصولیت مشی علمی و انقلابی حزب، تا بدان حد بود که امپریالیسم و متحدان راستگرا و قشریش و تمامی طیف سازشکاران و دنیالروان آنان، قادر به سرکوب حزب توده، ایران نشدند.

چنین است که یک بار دیگر توده‌های را بسه قربانگاه می‌برند تا خواستها و نیازهای مردم و مضمون اصلی انقلاب ملی - دموکراتیک بهمن ۵۷ را سلاخی کنند.

تاریخ خلق‌ها، در جوامع طبقاتی تاریخ درد و رنج است.

سرگذشت قربانی کردن مدافعان آنها، در فراموش خانه‌های خداوندان زر و زور و ستم است؛ و چنین است تاریخ خلق‌های میهن ما از مزدک و بابک تا به امروز.

اینکه حزب توده‌های ما، دیگر بار سرکوب می‌شود تازگی ندارد. به کار بردن ابزار رنگ زده و کهنه "اتهاماتی چون "جاسوسی، وابستگی بودن" ابزاری که از زرادخانه‌های امپریالیسم به عاریت گرفته شده چیز تازه‌ای نیست. تازگی و ویژگی حوادث امروزین، تنها و تنها در ابعاد عظیم ایسن جنایت است نهفته است.

غاصبان جاه و مقام مردم ما، آنانکه اعتماد خلق را ربودند و سبوا بر مواج خروشان قیام آنها به قدرت رسیدند از ابراز و بیان اعمال سرکوب - گرانه خویش، علیه حزب توده، ایران تنها به نو-آوری خود در میدان قساوت و بی‌رحمی است که می‌توانند "افتخار" کنند!

نمایش اشباح مسخ شده قربانیان زندان اوین ، کابوس بازداشتگاههای مرگ هیتلری را در اذهان مردم جهان زنده کرده است

بقیه از صفحه ۱

در صبحگاه ۱۱ آذر - روزنامه گاردین - گزارش یک پزشک انگلیسی ، اندرو ویچ را از زندان اوین به چاپ رساند .

شب هنگام بی بی سی - در بخش خبری تلویزیون خود ، هنگام مصاحبه با این پزشک ، فیلم های گزارش او را به نمایش گذاشت در مقابلش چشمان حیرت زده مردم شرافتمند جهان ، بسار دیگر کابوس بازداشتگاههای گروهی مرگ آلمان هیتلری تکرار شد :

" زندان اوین شاه ، با لغت وحشت مترادف بود . این زندان تحت رژیم خمینی ، حتی با وجود این ادعا که یک مرکز ارشاد اسلامی است ، مشکوک باقی مانده است ."

" در محوطه زندان ۱۰۰ زن در انتظار ورود ما ، در یک خطه در حالت سان به صف کشیده شده بودند . حیاط زندان تاریک و سرد بود . تنها چشمان زنان ، از پشت چادرها نشان معلوم بود . چادرهای سیاه آنها ، به زمین می کشید . این زنان ، خواندن سرودی را آغاز کردند که تمام عبارات آنها مشق داده شده بود : امام خمینی ، ما باید برای تلافی گناهانمان ، سیسره رزمندگان جبهه شوم ۰۰۰ مرگ بر آمریکا ۰۰۰ مرگ بر حزب کمونیست ۰۰۰ مرگ بر مجاهدین ۰۰۰ با کمک حزب الله ، زندان دانشگاه شده است ۰۰۰ امام خمینی ، خدا به همراه تو ، ما در قلبهایمان چیزی علیه تو نداریم . آنجا کودکان حضور داشتند . طفلی به سینه مادرش چسبیده بود ؛ پسر هفت ساله ای ، یک کلید برنجی با بند به دور گردنش آویخته بود ، دست مادرش را گرفته بود ؛ پسری شاید ۴ ساله با لباس زرد و کلاه پشمی ، با مشت گره کرده در هوا ۰۰۰ (دیده می شد) تنها اینجا ، در اوین ، این سلام ، سلام اطاعت است ."

در بین بازدیدکنندگان این زندان که در مقابل صحنه اطاعت این مسخ شدگان مبهوت ایستاده بودند ، کسی نبود که آثار شوم شکنجه و تحزیر درخیمان ج ۱۰ را ندیده باشد .

این صحنه های فجیع ، از شکنجه و مسخ گروهی خبر می دهد که به سان جمعی از عروسک های خیمه شب بازی ، در زندان اوین به اطاعت از درخیمان خود هم آهنگ با هم تکان می خوردند و هم آهنگ با هم کلماتی کوتاه از قبیل " مسن خیلی گناه کردم " ، " من نمی دانم " ، به زبانی می رانند . در گوشه دیگری از زندان اوین ، این صحنه های رقت بار به گونه ای دیگر تکرار می شود .

" ما به طرف سالن نماز جماعت ، محل تجمع هدایت شدیم ۰۰۰ پرده نقاشی عریض و طولی از چهره خمینی ، بالای صحنه آویزان بود . پرده های دیگری از عکس های آیت الله های دیگر ، دورتا دور دیوارها ردیف آویخته شده بودند ؛ در یک طرف سالن بیش از ۵۰۰ زن پیچیده در چادر سیاه زانو زده بودند . من ۱۵

کودک در سالن شردم ۰ کم سن ترین آنها ۱۱ ماهه بود ۰ پرده کوتاهی زنان را از مردان جدا ساخته بود ۰ تعداد بیشتر و بیشتری از مردان به سالن رسیدند تا تعدادشان تقریباً به ۱۵۰۰ نفر رسید ۰ در آنجا نگهبانان حضور داشتند ۰۰۰۰

صدائی شبیه نماز به سرود مبدل شد ۰ زنان کلمات قافیه داری را می خواندند و به دنبال آنان مردان ۰ صدایی شبیه طبل به گوش می رسید ، گویی به زمین می کوبند ۰ سپس من متوجه شدم که آنها مشت های خود را محکم و به طور دائم به سینه - هایشان می کوبیدند ۰"

این به اصطلاح " تروریستها و کمونیستها " آن طور که دادستان آنان را توصیف کرده بود ، کمونیست ها را نفرین می کردند ؛ گناهانشان ابراز ندامت می - کردند ؛ امام را تجید می کردند ؛ به وفاداری خود به ج ۱۰ سوگند می خوردند ۰"

یعنی مردمی که با انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی خود ، رژیم استبدادی پهلوی را به زیانه دان تاریخ افکنده ؛ مردمی که خسوف آزادانه و مغرور در روزهای اول پیروزی انقلاب صفوف اتحاد را حفظ کرده ، به ج ۱۰ رأی دادند و یا رأی میلیونی خود ، بر انقلاب صحه گذاردند ، امروز زیر شکنجه های بدنی و روانی ، زیر دست درخیمان آدم خوار ، به طور گروهی مسخ می شوند ، و اشباح مسخ شده آنها در زندان اوین باید بگویند :

" به وفاداری خود به ج ۱۰ سوگند می -

خوریم " !

ارتجاع سیاه ایران و حامیان امپریالیستی آن ، بی رحمانه در تمام عرصه ها به انتقام وحشیانه ای از مردم انقلابی میهن ما پرداخته اند ؛ بازتاب این انتقام سبغانه در گزارش آندرو - ویچ از زندان اوین چنین آمده است :

" شاه زندان اوین را ، در ارتفاعات کوهستانی شمال تهران برای استفاده پلیس مخفی خود ، ساواک ساخت ۰ اکنون این زندان قلمرو امپراطوری دادستان کل انقلاب ، اسد الله لاجوردی ، زندان آنان و به گفته مخالفانش ، شکنجه گر و مأمور اعدام است ؛ مردی کوتاه قد و کسب و کلفت که صورتش ، پشت ریشی سیاه و عینک پنهانی شده و یک کت جنگی روی شانه هایش انداخته است ."

ارتجاع سیاه و امپریالیسم جهان خوار دیرورش خود به نیروهای انقلابی ، مبارزان انقلابی ضد امپریالیست را برای حفظ و توطئه تسلط بی - شرمانه خود روانه سیاهترین سیاهچالها و مخوفترین شکنجهگاهها کرده است :

" از دادستان سوال شده که آیا ما می توانیم سلول های شکنجه را ببینیم (او جواب داد) ؛ آنها سلولهای شاه بودند و خراب شدند - هیچ کس در زندان او شکنجه نمی شود ۰ داستانهای

حاکمی از اینکه دختران پیش از تیرباران مرده تجاوز قرار می گیرند (در اسلام تیرباران دختران باکره گناه است) تبلیغات غرب است ۰ هیچ باکره ای تیرباران نشده است !

وی گفت ؛ خبر داده شده از طرف فدراسیون بین المللی حقوق بشر مبنی بر اینکه زندانیانی که محکوم به اعدام شده اند ، خونشان گرفته می شود و برای سربازان زخمی استفاده می شود ، ایس - تبلیغات است ۰ وی افزود ؛ بروید و از مراکز انتقال خون سوال کنید ؛ از زندانیان پرسیده می شود آیا مایل به دادن خون هستند و آنها داوطلبانه خون می دهند ۰"

یاللعجب ! حاکمیتی که مدعی است توده های میلیونی مردم ، پشتبانه آن هستند و برای " نائل آمدن به افتخار شهادت " از یک دیگر پیشتر - دستی می کنند ، خون مورد نیاز جیبه های جنگ بی حاصل و خانمان برانداز را از بدن های نحیف و شکنجه دیده ، زنان و مردان ، این مبارزان در بند ، می کشند " و حتی از " خون خواهی " کسانی که به جوخه اعدام سپرده می شوند ، نمی گذرد ۰

" مادر کودکی ۱۱ ماهه به من گفت که وی ۹ روز بعد از تولد کودکش دستگیر شده است ۰ او نخواست نام خود را بگوید ۰ زوی پرسیدم ، چه مدت در زندان خواهد ماند ، جواب داد ؛ نمی دانم ؛ افزود ؛ هنوز رسماً به پرونده من رسیدگی نشده است ۰ او وحشت زده بود ۰ بلا سر رسیدن یکی از مأمورین این گفتگو خاتمه یافت ۰۰۰ بعداً به من گفته شد بعضی از زنان و بچه ها ، برای این نگاه داشته می شوند تا شوهرانشان را مجبور سازند ، خود را معرفی کنند ۰۰۰"

حاکمیت ج ۱۰ برای این اصل قانون اساسی که می گوید :

" اصل ، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود ، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد " (اصل ۳۷) . و همچنین اصل ۳۲ که می گوید :

" هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد ، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین کند ۰ در صورت بازداشت ، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حد - اکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده ، مقداتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد ۰ متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود ، چه پاسخی دارد ؟

در باره این سوال آندرو - ویچ می نویسد :

" دادستان به ما گفت که : " ما با هر کدام از زندانیها می توانیم صحبت کنیم ۰ اگر زندانی گفت که بی گناه است ، پرونده های در دفتر موجود بقیه در صفحه ۱۳

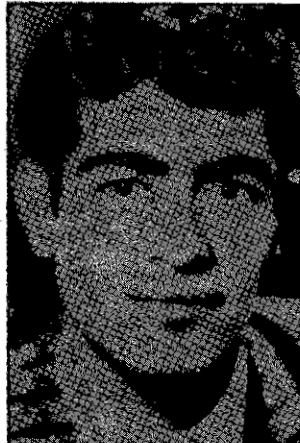
گرامی باد خاطرۀ شهدای ۱۶ آذر

مسیر آتی جنبش دانشجویی، در جهت تشدید مبارزه علیه تسلط امپریالیسم و راستگرایان است!

طلیبی در يك صف واحد بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی بسیج نمایند .
حزب توده ایران، همواره بر این نقطه نظر بوده و هست که جنبش دانشجویی ایران با حفظ اصالت خود نقش مهمی در پیروزی جنبش ملی و دمکراتیک ایران ایفا کرده و می کند .
حزب توده ایران، جنبش دانشجویی ایران و نقش دانشگاه ها را در مبارزه ضد امپریالیستی، و به خاطر نیل به هدف های انقلاب خلقی

بودند، با سببیت سگان هیتلری به رگبار مسلسل بستند . در این یورش فاشیستی سه تن از دانشجویان دانشکده فنی : مصطفی بزرگ نیا، عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران، مهدی شریعت رضوی عضو سازمان جوانان توده ایران و احمد قندچی دانشجوی هوادار دکتر مصدق به شهادت رسیدند، و با تقدیم خون خود به خلق ایران قضای حقیقی رژیم شاه ملعون را در هم شکستند . و بدین ترتیب سه

در تاریخ معاصر جنبش مقاومت مردم ایران، روز ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، برجستگی خاصی دارد .
در این روز، خروش اعتراض و خشمی که پس از کودتای ۲۸ مرداد، در گلو مبارزان گره خورده بود، با شعار "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر ارتجاع" فضای حقیقان را شکافت .
شاه خائن که با توطئه سازمان جاسوسی آمریکا توانست حکومت کودتای تنگین ۲۸ مرداد ۳۲ را در کشور ما برقرار سازد و دولت دکتر مصدق را سرنگون کند، زمینه های لازم را برای حراج ایران در بازار مکاره، انحصارات غارتگر بین المللی و انعقاد قرارداد تنگین با کنسرسیوم بین المللی نفت تدارک می دید . برای ایمن خدمت چاکر منشانه و خفت آور، لازم بود ایران به گورستان سکوت و زندان فرزندان میهن پرست و ضد امپریالیست تبدیل شود . از این رو یورش به سازمان های ملی و دمکراتیک آغاز گردید و زندانها از پیشقراولان نهضت ضد استعمار ایران انباشته شد . پس از سرکوب خونین مردم و سازمان های سیاسی، نهایتاً به دانشگاه رسید .
دانشگاه تهران که وارث بهترین سنتهای مبارزه علیه شاه خائن و امپریالیسم جهانی بود، نمی توانست در برابر توطئه کودتاچیان آمریکایی ساکت بنشیند . از این رو صدای رسای میلیون ها مردم محروم و زجر کشیده کشور ما از حلقوم فرزندان اشان، در دانشگاه طنین انداز شد .
در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، اعتراض دانشجویان به خاطر ورود نیکسون، معاون رئیس جمهور وقت آمریکا، بود . دانشجویان به نشانه اعتراض به بازداشت و دانشجوی راه و ساختمان توسط مزدوران رژیم شاه به همراه استادان خود از کلاس خارج شدند و با شعار "مرگ بر شاه" در محوطه دانشگاه گرد آمدند . گرازه های وحشی شاه مزدور به بهانه "برقراری آرامش" به دانشگاه فنی، مرکز پایداری و مقاومت دانشگاه تهران، هجوم آوردند و دانشجویان بی سلاح این دانشکده را که در برابر خود سری های نظام وابسته به امپریالیسم به اعتراض برخاسته



شهید مصطفی بزرگ نیا

شهید مهدی شریعت رضوی

شهید احمد قندچی

هیچ گاه در چهار چوب منافع گروهی و متعلق به قشر و طبقه خاصی تلقی نکرده است .
حزب ما جنبش دانشجویی ایران را در کل خود نگریسته و می نگرد و معتقد است که ایمن جنبش باید همراه با مراحل مختلف انقلاب ایران بیانگر وحدت کلیه نیروهای جوان در مبارزه ضد امپریالیستی و خلقی آن باشد . جنبش دانشجویی ایران در گذشته، علی رغم تمام مشکلات در مسیر تحقق آرمان های خلق حرکت کرده است . شکی نیست که در آینده نیز در همین مسیر یعنی در جهت تشدید مبارزه علیه تسلط امپریالیسم و راستگرایان حرکت خواهد کرد .
ما یاد این روز و خاطرۀ شهدای قهرمان آن را گرامی می داریم .

مروارید مبارزه به دریای اندیت پیوستند . خون پاک این جوانان نورسته و آزاد میهن استبداد زده، ما به لاله های خونین مبارزه علیه امپریالیسم تبهکار آمریکا بدل شد و هر سال با سرخی تند تری در عرصه مبارزه و بیکار دانشگاه می روید .
۱۶ آذر سال ۳۲ نشان داد که گلوله های کور دشمن، بی هیچ تمایزی سینه همه مشتاقان راه آزادی و استقلال ایران را شمشیر می سازد و به آرمان ها و اندیشه های رنگارنگ مبارزان نمی نگرد . سنت انقلابی ۱۶ آذر و تجربه پر بار آن، درس وحدت و یگانگی می آموزد .
جا دارد که همه گردان های امیصل دانشجویی با الهام از این نهضت امیصل که ریشه عمیق در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی ما دارد، همه نیروها را بی هیچ تنگ نظری و هژمونی-

"کمیته عالی سازمان ملل متحد"، برای نجات مهاجرین میادرت ورزیده و خواستار مداخله سریع این سازمان، جهت جلوگیری از استرداد سایرین به ایران، بجائی که شکنجه و آزار دارند انتظار آنان است، شده است .

● حزب کمونیست اسپانیا، طی مخابره تلگرامی به رئیس جمهور ترکیه، خواهان آزادی مهاجرین سیاسی ایرانی، که در ترکیه از طرف حکومت این کشور بازداشت شده اند، گردیده و خواسته اند که به آنان، اجازه انتخاب آزاد کشوری جهت اقامت داده شود .

اعتراض کمونیستهای فرانسه و اسپانیا به بازداشت مهاجرین سیاسی ایران در ترکیه

طبق خبر این روزنامه، هم اکنون ۲۰۰ تن دیگر در بازداشت پلیس ترکیه به سر می برند، که خطر استرداد آنان به حکومت ج ۱۰۱۰ می رود .
این روزنامه هم چنین اشاره می کند که "کمیته همبستگی فرانسه با زندانیان سیاسی و علیه حقیقان و سرکوب در ایران"، به اقداماتی از طریق

روزنامه "اومانیته"، ارگان حزب کمونیست فرانسه، در تاریخ ۲۴ نوامبر (۳ آذر)، خبر بازداشت ۷۶ تن از دمکراتهای مهاجر ایرانی را به چاپ رسانیده و خاطر نشان کرده است که که متأسفانه این افراد، بنا به درخواست دولت ایران، تحویل مقامات آن کشور شده اند .

فرستی پیش آمده تا در مورد مسائل کارگری روز و خصوصاً " طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار " که به تازگی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است با یکی از مسئولین انجمن همبستگی به گفتگو بنشینیم .

گفتگو با یکی از مسئولین "انجمن همبستگی" به

نقض حق تشکیل شورا قانون "شورای ا

رسمیت شناخته شده و به آنان حق قانونی مشارکت فعال در اداره امور تولید و خدمات واگذار گردد . نیروهای اصلی انقلابی توجه داشتند که کارگران در اعمال حقوق صنفی - انقلابی خود باید آزاد باشند تا بتوانند بدون دخالت دیگران سازمان صنفی خود را تشکیل دهند . این کار از عهده خود کارگران به طور مستقل ممکن است و باید هم که فقط به دست خود کارگران انجام گیرد . اما آن بخش از حقوق کارگران که ناظر بر مشارکت آنان در اداره امور تولید و خدمات است ، به تنهایی و فقط از دست خود کارگران ساخته نیست و در این امر کارگران باید با شرکت مدیران و کارفرمایان نمایندگان دولت و از روی نظم قانون معینی عمل کنند . بنابراین بر نیروهای اصلی انقلابی روشن بود ، که اگر در روزهای حاد انقلابی ، شوراها این هر دو وظیفه را به تنهایی بر دوش گرفتند ، در روزهای عادی نمی توان مدیریت تولید را در سازمان صنفی کارگران شریک کرد . بنابراین در سازمان جداگانه لازم بود یکی سازمان صنفی کارگری ، مستقل از دولت و مدیریت کارفرما و دیگری یک نهاد قانونی متضمن همکاری کارگران و مدیریت در اداره تولید و خدمات . تدوین کنندگان قانون اساسی این واقعیت را در اصول ۲۶ (حق کارگران در تشکیل آزادانه سازمانهای مستقل صنفی) و ۱۰۴ (ایجاد یک نهاد قانونی مرکب از نمایندگان کارگران و مدیریت) منعکس کردند . طبق قانون اساسی روشن است ، که آنچه نیاز به تدوین قانون توسط مجلس شورای ادره اصل ۱۰۴ است ، اصل ۲۶ به همین دلیل و با توجه به خطری ، که شکل های صنفی کارگری را تهدید می کرده ، انجمن همبستگی یارها و از جمله در نامه سرگشاده خود به مقامات ج ۱۰ خواهان آن شده که در رابطه با اصل ۱۰۴ قانون لازم تهیه شود تا این نهاد شکل قانونی بگیرد . ولی در عمل چه شد ؟ به بیان اصل ۱۰۴ در پیش آن و با استفاده از کلمه "شورا" برای اصل ۲۶ قانون تهیه کردند . یعنی دشمنان طبقه کارگر ، با یک قانون ، دو بار قانون اساسی را نقض کردند و به روی تدوین کنندگان قانون اساسی تف انداختند .

لطفاً نظر انجمن همبستگی را در مورد مسائل کارگری در رابطه با " طرح تشکیل شوراهای اسلامی " بیان کنید .
ج . همانطور که کارگران می دانند ، انجمن همبستگی سند یکاها و شوراها - همواره نظرات خود را در مورد مهمترین مسائل کارگری در پنج ساله اخیر مطرح کرده است . سعی انجمن همبستگی همیشه بر این بوده است تا کارگران را به منافع طبقاتی خود آگاه گرداند و توجه های ضد کارگری را افشا کند . مسئله حقوق صنفی و شورائی کارگران همواره در صدر مسائل کارگری در ۵ ساله اخیر قرار داشته و انجمن همبستگی نیز به مناسبت های مختلف در این باره موضع صریح و روشن خود را بیان داشته است .

از جمله در نامه سرگشاده " انجمن همبستگی به مسئولین مملکتی در ۱۱/۴/۱۳۲۰ این موضوع به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت . متأسفانه این طرح در شرایطی در مجلس به شور دوم گذاشته شد و به تصویب رسیده هیچ وجه شرایط دمکراتیک برای بیان آزادانه نظرات کارگران آماده نیست . اکنون مدتیست که حملات وحشیانه ای علیه سازمانهای صنفی و سیاسی طبقه کارگر آغاز شده است . اکثر سندیکا و شورا های کارگری خیز منحل شده اند . انجمن همبستگی نیز یکی از اهداف درجه اول این سرکوب ها بود . بسیاری از رهبران و اعضای انجمن همبستگی به دلیل دفاع بی باکانه و سرسختانه از منافع طبقه کارگر اکنون مدتهاست که در زندانهای ج ۱۰ تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روانی قرار دارند . در این شرایط در عین اینکه رساندن نظرات انجمن همبستگی به کارگران دشوار شده است ، ولی از طرف دیگر مسلماً کارگران به این نتیجه می رسند ، که چه رابطهای میان سرکوب سازمانها و شخصیت های مبارز کارگری و تصویب این گونه طرح ها و لوایح ضد کارگری وجود دارد .

کارگران اکنون با مقایسه شرایط کنونی با دوران اوچگیری مبارزات کارگری در پاییز ۱۳۱۱ متوجه این تفاوت می شوند . در آن دوران شوراهای کارگری توانسته بودند تا حدود زیادی به صورت سازمانهای مستقل کارگری خود را از یوغ انجمن های اسلامی و وزارت کار در آورده و در گرد هم آیی ها و کنگره های متعدد شرکت کنند . در آن دوران کارگران نظرات خود را به صورت مشخص و صریح در قطعنامه های متعدد منعکس می ساختند و سازمانهای صنفی و سیاسی کارگری نیز می توانستند این نظرات کارگران را منعکس کنند . اگرچه در آن هنگام نیز شرایط برای بیان آزادانه نظرات کارگران و دفاع از منافع صنفی و سیاسی آنان هیچ وجه مناسب نبود ، ولی حداقل امکان های محدودی برای اینکار وجود داشت . مسئولان وزارت کار و دیگر دست اندرکاران مملکتی با آنکه در آن هنگام نیز به کارگران چنگ و دندان نشان می دادند ، ولی هیچ وجه قادر نبودند چنین طرحی را بدون سر و صدا به تصویب مجلس برسانند . ابتدا باید دهان مبارزین و سازمانهای کارگری را می بستند تا بعد با خیال راحت نقشه های خود را پیاده کنند . تجربه تمام رژیمهای ضد کارگری ملو از اینگونه شواهد است .

در سال ۱۳۲۶ رژیم محمد رضا شاه که مقدمه سرکوب جنبش توده ای را فراهم می کرده ، ابتدا شورای متحد " مرکزی کارگران و زحمتکشان را مورد بیرون وحشیانه و سراسری قرارداد و سپس قدم به قدم تمام دستاوردهای دمکراتیک را سلب کرد . ولی این تجارب همگی بر یک نکته دیگر نیز دلالت دارند . و آن است که هیچ رژیم ضد کارگری نتوانسته است با توسل به سرکوب و ارباب دهان طبقه کارگر و سازمان های صنفی و سیاسی آن را ببندد . به همین دلیل است ، که انجمن همبستگی نیز به عنوان یکی از سازمانهای صنفی کارگران ، سعی دارد تا در این شرایط نیز نظرات کارگران آگاه را به گوش مردم ایران و جهان برساند .

شما گفتید که به بهانه اصل ۱۰۴ و در پیش اصل ۱۰۴ با استفاده از کلمه "شورا" اصل ۱۰۴ را بی محتوا کردند و از شکل انداختند ، نظر به اهمیت این مسئله ، ممکن است بیشتر در مورد آن توضیح دهید ؟
ج . بله . زیرا مجلس قانون فقط در مورد اصل ۱۰۴ می توانست قانون تصویب کند و نه در مورد اصل ۲۶ . بنابراین این ظاهر را با بنظر آراستند ، که به نظر آید صحبت از اصل ۱۰۴ است . در این مورد حتی اصل ۱۰۴ را نیز با یک حقه ظریف بازیگری کرده اند . این حقه ظریف چیست ؟ اگر اصل ۱۰۴ قانون اساسی " ماده ۱ " طرح شوراها را با یکدیگر مقایسه کنیم ، تنها یک تفاوت به ظاهر کوچک می بینیم : در اصل ۱۰۴ پس از جملات اولیه ذکر شده " شورای مشکل از نمایندگان کارگران ، دهقانان ، دیگر کارکنان و مدیران ... " در حالیکه در ماده ۱ طرح آمده است :

" شورایی به انتخاب مجمع کارکنان " در اینجا در واقع ما شاهد دو برخورد به کلی متضاد با مسئله " شوراها هستیم ، اصل ۱۰۴ قانون اساسی شورا را نهادی می داند متشکل از نمایندگان کارگران و مدیران ، نهادی که به طور دائم در هر کارخانه و دیگر موسسات موجود است و وظیفه آن هم فکری در مورد مسائل مهم آن موسسه از قبیل برنامه تولید ، برنامه فروش ، برنامه توسعه ، مسوولان میسران خواسته های رفاهانی کارکنان و غیره می باشد . در این نهاد باید نمایندگان کارگران و نمایندگان مدیریت ، به صورتیکه هیچ طرف حاکم مطلق نباشد ، هم فکری کنند و حاصل این هم فکری به عنوان صوبه شورای محل کار ، راههای عمل مدیریت قرار گیرد . حال ببینیم طراحان این طرح شوراها چه برداشتی از شورا دارند . آنها با این تغییر مهمی که در ماده ۱ این طرح وارد کرده اند به ظاهر چنین ادعا کرده اند :

" ما مدیر و کارگر و کارمند داریم . همه با هم برابرند . همه در مجمع عمومی می نشینند و عدای را به عنوان نماینده خود انتخاب می کنند ! " این حرف را باور کنیم ؟! خود همین آقایان در موارد دیگر این طرح به طور

انجمن همبستگی همواره طرفدار این بوده است ، که مجلس شورا قانونی در مورد اصل ۱۰۴ قانون اساسی ، یعنی در مورد حقوق شورائی کارگران و دیگر زحمتکشان ، تصویب کند . آیا به نظر شما این طرح صوب مجلس بیانگر خواست کارگران در این مورد هست ؟

این سوال شما در حقیقت کلید حل این طرح صوب مجلس است . اصل ۱۰۴ قانون اساسی ، که ضامن حقوق شورائی کارگران و زحمتکشان است ، در حقیقت یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران است . در روزهای انقلاب کارگران و زحمتکشان جبهت پاسخ گویی به نیازهای جنبش انقلابی به سوی شکل های مستقل از رژیم شاه و با وظایف عالی انقلابی روی آوردند . این تشکلهای صنفی نقلابی کارگران شورا نامیده شد . این شوراها از یک طرف دارای خصلت صنفی - نقلابی بود ، که بند های قوانین و مقررات طاغوتی وزارت کار رژیم شاه را شکسته و سبب به سند یکا های زمان شاه به مرحله بالاتری ارتقا یافته بود . از طرف دیگر این شوراها در جریان نبرد انقلابی علیه ضد انقلاب پدید آمده ، نقش ارزنده ای در حفظ و باز سازی اقتصاد ملی ایفا کرد و می بایست این نقش انقلابی کارگران به

صوب قانون "شورای اسلامی کار" در مجلس:

کارگری ویرگی اصلی می کار، است.

ی و صریح (مواد ۱۳، ۱۸، ۲۴، ۲۷) اذعان داشته اند که در حقیقت شورا بریت نه تنها دو چیز تفاوت بلکه متضاد و رو در روی یکدیگر هستند و به همین دلیل در ماده ۲۵ مهم ترین وظیفه شورای اسلامی کار منطقه " ایجاد تفاهم و آشنایی و حل اختلافات میان شورا و مدیریت " است. سپس بسط می دهد که هر یک از طرفین باید در جهت منافع طرف مقابل خود عمل کند و در صورت بروز اختلافات باید با روشی صلح آمیز و بدون درگیری حل شود. در حقیقت می تواند فقط به منزله یک یل اطلاعاتی بین شورا و مدیریت باشد؛ در بین چند نفر اعضای هیئت مدیره یک نفر کارگر حتی اگر واقعا نیز منافع آن را نمایندگی کند، نمی تواند چند آن موثر باشد و در بهترین حالت فقط سه نفر مشاور کارگری مدیریت در می آید و به عنوان یک شخصیت مستقل کارگری که در مسائل مهم با مدیریت پهنو بزند.

پس وظایفی هم که در این طرح برای شوراها در نظر گرفته شده است، هیچ وجه با اصل ۱۰۴ قانون اساسی و اصل مشارکت کارگران در مدیریت های کار مطابقت ندارد؟

ج. کاملا صحیح است. وظایف و اختیاراتی که این طرح برای شوراها قائل در مواد ۱۳، ۱۹، ۲۰ آمده است. ماده ۱۳ مشتمل بر ۱۰ مورد است که یک مورد بقیه در چارچوب وظایف یک تشکل صنفی است. آن یسکه مورد هم (بند ب) چون می تواند جنبه تفکیک عقاید و اطلاعاتی - پلیسی داشته باشد این چارچوب نمی گنجد. ۸۰ مورد ماده ۱۹ و ماده ۲۰ نیز تماما منطبق بر یک سازمان صنفی کارگری است که در تمام کشورهای جهان وجود دارند و در چارچوب بسیار وسیع تر از آنچه در این طرح آمده بدو آنکه ناخشان را شورا در صدد حل می کنند. بنابراین چنانکه مشاهده می شود در مورد وظایف و اختیارات هیچ چیزی، که بتواند حاصل این طرح را به اصل ۱۰۴ قانون اساسی نزدیک جود ندارد. بنابراین این کارگران یک یار دیگر شاهد آنند که از نظر وظایف و اختیارات این قانون اساسی غرض می شود و حق کارگران و زحمتکشان در مشارکت در " موسسات نفی می گردد. از طرف دیگر با توجه به بار صنفی که بردوش این " ها است، شورای محصول این طرح اگر هم بخواهد، امکان آن را ندارد که بریت مشارکت کند. مشکلات صنفی و مادی عظیم کارگران و زحمتکشان از جمله حقوق، مشکل اضافه کاری، مشکل حق شیفت، مشکل طبقه بندی مشاغل، مشکل بهای مختلف خود و خانواده، مشکل مسکن، مشکل تهیه ارزاق و معاوضی، مشکل غذای محیط کار، مشکل ایاب و ذهاب، مشکل ایمنی محل کار، پاداش و سود آخر سال، مثل اخراج، مشکل بازنشستگی و هزاران مشکل چنان این شورا را در خود غرق خواهد کرد که به هییه وجه فرصت سر ن بخواد داشت چه برسد به مشارکت در امر مهم مدیریت، که علاوه بر نیاز متن اطلاعات، به فرصت کافی جهت بررسی و مطالعه دقیق اسناد مختلف ره با دیگر کارکنان و متخصصین مربوطه نیازمند است.

همین دلیل است که ما باز هم تکرار می کنیم: طبقه کارگر ایسران و تمام بان ایران طبق اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی به دو تشکل مستقل متفاوتند: یک سازمان مستقل صنفی، که باید بدون دخالت دولت یا مدیریت و توسط خود کارگران تشکیل شود؛ در این مورد هیچ قانونی نیاز نیست. اساسی در این مورد صراحت لازم را دارد. و در کنار این سازمان و جدا که نهاد قانونی به نام شورا، متشکل از نمایندگان کارگران و دیگر کارکنان و بود این دو سازمان منطبق با قانون اساسی است و می تواند مورد حمایت و زحمتکشان قرار گیرد.

سفاهه باید گفت که طراحان این طرح، کارگران و زحمتکشان را خیلی احق کرده اند. آنها طرحی برای انجمن صنفی تهیه کرده اند، که بسه جای

انجمن صنفی، نام آن را شورا گذاشته اند و بعد هم به خیال خود به کارگران گفته اند: " خوب، بفرمائید! این هم از شورای اصل ۱۰۴ و مشارکت شما در اداره موسسات، دیگر چه می خواهید؟! "

شاید حقه بازاریانی پیدا شوند که بتوانند با گذاشتن اسم شب پر روز عده های را خواب کنند. ولی با این تغییر اسم، نه شب روشن می شود و نه روز تاریک می شود و زودی واقعیت افشا می شود. باید به این آقایان گفت که دیر آمده اید، بازرگان ها و بنی صدرها قبل از شما همین حقه را ز ند و دستشان روشد!

س. آیا این طرح صوب مجلس در اساس همان چیزی نیست که دولت موقت در اوایل انقلاب مطرح کرده بود؟

ج. خیلی خوشحالم که این سؤال را مطرح کردید. همه کارگران و زحمتکشان آگاه امروز به این پرسش شما پاسخ مثبت می دهند. بله، واقعیت این است که این طرح شوراها، که از جانب به ظاهر مخالفین دولت موقت تصویب شده است، در اساس ادامه دهنده برداشت بورژوازی لیبرال از شوراها است.

اگر نگاهی به گذشته بیافکنیم می بینیم که وزیر کار دولت موقت در خرداد ۱۳۵۸، یعنی ۴ ماه پس از انقلاب به نمایندگان شوراها ی اسلامی کارگران گفت: " در وزارت کار یا جای من است یا جای شوراها! "

ولی این جمله پیش از حد صریح و افشاگرانه بود. به همین دلیل دولت موقت چند ماه بعد در بخشنامه ظاهر فریب خود، همین معنا را در بسته بندی قابل قبول تری عرضه کرد. هدف این بخشنامه مخدوش و نقض کردن حقوق صنفی و شورایی کارگران بود. به علت وجود فعالیت تشکل های انقلابی کارگران و شرایط ماه های اول انقلاب، این بخشنامه به اجرا در نیامد و ولی سنگی پایهای شد برای ادامه دهنده گان راه بورژوازی لیبرال.

همین خط در گزارش نهایی " سیاست های توسعه و تکامل ج ۱۰۱۰ " که در خرداد ماه ۱۳۵۹ انتشار یافت، به وضوح منعکس شده است. این گزارش بر اساس " طرح های انقلاب " دکتر یدالله سجایی (یسوزوا لیبرال معروف) تهیه شده است. این گزارش آشکارا نقش شورایی کارگران و دیگر زحمتکشان را نفی می کند. به عقیده نویسندگان این گزارش، در کارخانه ها " هرج و مرج و عدم اعتقاد به هر نوع ضوابط حاکم بر روابط کار و اعتصابات می مورد " حکمفرما بود، و حتی داشتن عقاید سیاسی و صنفی نیز سبب روابط متشنج بین کارگران می شود! آنان شوراها ی کارگری را سبب بر هم خوردن نظم در واحدهای تولیدی می دانند. اگر بخشنامه دولت موقت پیش از تصویب قانون اساسی صادر شده بود، این گزارش در شرایط وجود اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی منتشر گردید.

اینجا به وضوح آشکار می گردد که بورژوازی لیبرال در زمینه حقوق صنفی و شورایی کارگران از همان ابتدا پرچم مبارزه با قانون اساسی را برافراشته بود. باید گفت که بورژوازی لیبرال توانست در مدت ۵ سال سیاست ضد کارگری خود را به اشکال مختلف به مجموعه حاکمیت بقولاند و در زمان ریاست بنی صدر بر شورای انقلاب، " لایحه قانونی تشکیل شوراها ی اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی - صنعتی - کشاورزی و خدماتی " در اواخر تیرماه ۱۳۵۹ به تصویب رسیده، که هم چنان همان روح بورژوازی لیبرال بر آن حاکم بود. نشریه کارگری " اتحاد " به موقع خود این لایحه ضد کارگری را افشا کرد و خطرات آن را به کارگران یاد آور گردید. چالب اینجا است که کسانی با ادعای مخالفت با دولت موقت و بنی صدر درست همان سیاست ضد کارگری را پیاده کردند. آقای توکنی و حامیان او از این جمله اند.

امروز نیز کارگران شاهد آن هستند که مجلس شورای اسلامی، که روزی بسیاری به آن امیدها داشته اند، کنون که روح بورژوازی لیبرال در آن دمیده شده است عملا همان گفته را تکرار می کند: " شورا، بی شورا! "

س. به نظر شما در حالیکه کارگران و دیگر زحمتکشان حاضر بودند برای انقلاب و حاکمیت حاصل انقلاب همه گونه فداکاری کردند و حتی در آزاد سازی سرزمین های میهن انقلابی در ابتدای جنگ تحمیلی نیز جان خود را در این راه گذاشتند، تصویب این گونه طرح های ضد کارگری را چگونه می توان توجیه کرد؟

ج. واقعیت این است که کارگران و زحمتکشان ایران، به خصوص کارگران صنایع نفت، در پیروزی انقلاب نقش بسیار مهمی داشتند. این نقش توسط رهبری انقلاب نیز بارها تأیید شده بود. البته کارگران و زحمتکشان با خواسته های صنفی - سیاسی معینی در انقلاب شرکت کرده بودند. آنها خواهان استقلال کشور از قید وابستگی سیاسی و اقتصادی بودند؛ آنها خواهان مشارکت فعالانه در سلطنتان یک جامعه شکوفا بودند؛ آنها خواستار انجمن های صنفی مستقل خود، یعنی سندیکاها و شوراها ی مستقل، محبت به کارگری هر چه بیشتر نیرو و ابتکار خود در اقتصاد کشور بودند؛ آنها خواهان مشارکت هر چه بیشتر و فعالانه تر در زندگی برادران و خواهران خود، یعنی کارگران سراسر جهان بودند. کارگران دیگر نمی خواستند در قید یک قانون کار طاقتی باشند. آنها خواهان مشارکت در تدوین یک قانون کار انقلابی بودند؛ کارگران و زحمتکشان ایران در آن دوران تمام امید خود را در این بقیه در صفحه ۱۵

کارزار جهانی همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران

اسپانیا

خاتم چاروز وله تا ، رئیس سازمان عضو بین-المللی در اسپانیا ، به همراه جمعی از شخصیت های این سازمان ، اعتراض نامه ای به سفارت ج ۰۱۰۱۰ در این کشور ارسال داشته اند که در آن از جمله چنین نوشته اند :

"حاکمیت ایران ، امروز با اعمال سرکوبگرانه قانون اساسی را لگد مال کرده است ؛ زندانیان سیاسی در ایران ، از ابتدائی ترین حقوق انسانی نیز محروم اند . اتهامات جعلی ، که به توده های ما این مدافعین واقعی مردم ، نسبت داده شده است ، کسی باور ندارد ."

شخصیت های فوق الذکر ، سپس در پایان نامه از مقامات مسئول ج ۰۱۰۱۰ خواسته اند ، کسبه به نمایندگی های صلیب سرخ ، سازمان عفو بین-المللی و سازمان ملل متحد اجازه دهند ، که از نزدیک وضع زندانیان را بررسی کنند .

● در تاریخ ۶ نوامبر (۱۵ آبانماه) ، فرستنده راد یو کارگری کاتالونیا ، در یکی از برنامه های خود ، به پخش مصاحبه ای با هواداران "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" در این استان پرداخت . در این برنامه که به مدت یک ساعت طول کشید ، سیاست اختناق و فشار حکومت ج ۰۱۰ در رابطه با زنان میهن ما ، که با شرکت در مبارزات مردمی ، انقلاب ایران را به پیروزی رساندند و سپس بی فداکاری ها و از خودگذشتگی های کم نظیری ، به دفاع از دستاوردهای آن پرداختند ، تشریح و آنگاه بازداشت های جمعی زنان مبارز و کلیه دمکرات ها در ایران و چگونگی وضعیت زندان ها ، فشار و شکنجه های جسمی و روحی وارده بر زندانیان توضیح داده شد .

در پایان برنامه ، طی فراخوانی ، از کلیه مردم مترقی و نهاد های دمکراتیک اسپانیا خواسته شد ، تا با تشدید موج همبستگی با زندانیان دمکرات در ایران و به ویژه اعضای در بنسند "تشکیلات دمکراتیک زنان" ، به امر رهائی این قربانیان بی دفاع از جنگل خونین جلاخان ج ۰۱۰ ، یاری رسانند .

● "انجمن دمکراتیک زنان به خاطر صلح" و "جمعیت حرکت زنان اسپانیا" ، طی اعضای بیانیه ای نسبت به اعمال بی رویه حکومت ج ۰۱۰ ، در رابطه با بازداشت و شکنجه زنان و به ویژه فعالین و اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" که سالیان سال بر علیه ستم رژیم سلطنتی و دشمنان خارجی مبارزه نموده و زندگی خود را در راه آزادی و بهروری زنان زحمتکش میهن ما وقف نموده اند ، شدیدا اعتراض کرده ، آزادی فوری آنان را خواستار گردید هاند .

● "موندوا و پرو" ارگان مرکزی حزب کمونیست اسپانیا ، طی انتشار مقاله ای ، به درج مبارزات "تشکیلات دمکراتیک زنان" ایران پرداخته و قید کرده است که دولورس ایباررو ی

مبارز معروف نهضت ضد فاشیست و رهبر حزب کمونیست اسپانیا ، پس از دریافت خبر بازداشت اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" به تلاش برای

اعلام آمادگی یک وکیل مدافع و یک پزشک زن برای عریضت به ایران برای بررسی وضع دمکرات های زندانی از بودیلت و شرکت در خادگاه آنان

خاتم باریارا هوریک ، وکیل مدافع و کمونیست رگرت پریشک ، که هر دو تبعه آلمان هستند ، آمادگی خود را برای عریضت به ایران جهت بررسی وضع زندانیان دمکرات (به ویژه زنان زندانی) و شرکت در دادگاه های دادایی برای محاکمه توده های ما اعلام نمود هاند .

آزادی زنان عضو این سازمان ، دست زده است . در پایان مقاله ، هم چنین طی فراخوانی از کلیه نیروهای دمکرات و به ویژه زنان ، خواسته شده است که به دفاع از زنان آزادی خواه زندانی در ایران ، برخیزند .

آلمان فدرال

"انجمن سوسیال دمکرات " شهر آخن ، طی ارسال اعتراض نامه ای به سفارت ج ۰۱۰ در بین ، اعمال فشار و تضيیقات در مورد فعالیت زنان و سازمان های آنان در ایران و بازداشت و شکنجه زنان مبارز را به وسیله حکومت ، شدیداً محکوم نموده است .

اعضای انجمن در نامه خود ، یساد آوری نموده اند ، از آنجا که در ج ۰۱۰ ، زنان انسان های درجه ۲ بشمار می آیند ، به ویژه وجود سازمان هایی که به خاطر کسب حقوق آنان مبارزه کنند .

بقیه در صفحه ۱۶

متن بیانیه همبستگی هیئتهای نمایندگی سازمانهای عفو دمکراتیون بین المللی دمکراتیک زنان ، با دمکراتهای زندانی در ایران

"ما مقامات حکومتی ایران را مسئول این جنایات می دانیم!"

"تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" ، نمایندگی واقعی زنان ایران ، پایان داده شود . سازمان های امضاء کننده بیانیه به قرار زیرند :

- اتحادیه زنان اردن ● سازمان زنان قبرس
- اتحادیه زنان کبک مونترال - کانادا ● کنگره زنان کانادا ● سازمان زنان مرقی گایانا ● زنان عضو جبهه متحد خلق شیلی ● فدراسیون زنان مرقی مصر ● اتحادیه زنان برای فرهنگ و صلح ایسلند ● فدراسیون زنان دمکرات دانمارک ● مجمع زنان نروژ ● اتحادیه زنان هائیتی ● اتحادیه عمومی زنان فلسطین
- اتحادیه زنان سودان ● اتحادیه زنان استرالیا ● فدراسیون زنان یونان ● اتحادیه زنان عراقی ● مجمع دمکراتیک زنان پاکستان ● اتحادیه زنان لوکزامبورگ ● سازمان زنان اطریش ● اتحادیه خلقی زنان پرو ● اتحادیه زنان گوادلپ ● جنبش حق طلبانه زنان ایرلند شمالی
- سازمان زنان برای برابری نژادی و اقتصادی آمریکا ● سازمان زنان جبهه آزادی بخش ملی بحرین ● سازمان زنان مرقی ترکیه ● اتحادیه زنان سوریه برای دفاع از مادران و کودکان اتحادیه جوانان سودان نیز ، ضمن امضای بیانیه فوق ، همبستگی خود را با اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان" و سایر زنان دمکرات در بند در ایران اعلام نمود هاند .

در خلال برگزاری اجلاس "شورا فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان" منعقد در بالاتونلیگا - مجارستان (۱۱ تا ۱۴ اکتبر) .

بیانیه زیر از طرف هیأت های نمایندگی ۲۶ سازمان عضو "فدراسیون" ، در همبستگی با دمکرات های در بند و به ویژه اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" ، به امضاء رسیده است : "ما بازداشت غیر قانونی و شکنجه های بیرحم متشانه زنان و مردان ، دمکرات ایران را شدیداً محکوم می کنیم . این اعمال ناقض موازین بین-المللی حقوق بشر است .

ما مقامات حکومتی ایران را مسئول جنایاتی می دانیم که علیه هزاران تن از زنان مرقی و مبارزین ضد امپریالیست که ماههاست بدون هیچ گونه اطلاعی در زندان به سر می برند ، اعمال می شود و خواستار آنیم که :

- ۱- تضيیقات ، زندان ، شکنجه های روحی و جسمی و اعدام آنان متوقف شود .
 - ۲- کلیه زندانیان دمکرات و مترقی آزاد شوند .
 - ۳- به هیأتی بین المللی ، مرکب از حقوق دانان و پزشکان ، همراه با کمیونی متشکل از اعضای "فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان" ، اجازه ورود به ایران ، جهت ملاقات با زنان زندانی و بررسی وضع آنان از نزدیک داده شود .
- غذ به سرکوب سازمان های مرقی ، به ویژه

خود را با آنان نشان داده، آمادگی خود را برای انجام هر گونه فعالیتی در زمینه دفاع از جان آنان، ابراز نمودند.

خطر اعدام، جان توده‌ای‌های..

بقیه از صفحه ۳

توده‌ای‌ها و اعمال تضییقات و فشار بر علیه سایر نیروهای دمکرات، با قاطعیت از طرف حاضرین در جلسه محکوم گردید. آنان ضمن همبستگی با زندانیان، خواهان آزادی آنان و فعالیت آزاد برای حزب توده ایران و سایر سازمان‌های دمکراتیک گردیدند و بدین مناسبت قطعنامه‌ای به اتفاق آراء به تصویب رساندند که در آن پس از افشای جنایات حکومت ج. ۱۰ در مورد کلیه نیروهای انقلابی خواستارند که به کمیسیون بین‌المللی، مرکب از پزشکان و حقوق دانان بی طرفه اجازه مسافرت به ایران و بازدید از زندانیان داده شود، تا بتوانند از نزدیک، وضع آنان را بررسی نمایند و نیز جلسات دادگاه‌ها علنی و طبق موازین بین‌المللی باشد.

هایدلببرگ

در جلسه‌ای که در تاریخ ۳ دسامبر (۱۲ آذر ماه) به ابتکار نیروهای مرضی شهر هایدلببرگ به منظور ابراز همبستگی با اعضای حزب توده ایران و سایر دمکرات‌های زندانی در ایران برگزار شد، ضمن تشریح آخرین تحولات کشور، و جنایات دزدخیمان حکومتی در حق زندانیان بی دفاع، تلگرامی از طرف جلسه به رئیس جمهوری اسلامی ایران مخابره گردید، که طی آن بزرگواران خواست اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان، جهت بررسی وضع زندانیان و شرکت در دادگاه‌های قریب الوقوع، تأکید گردید.

کلن

در مراسمی که به تاریخ ۲۶ نوامبر (۵ آذر) به مناسبت برپائی پنجمین کنگره حزب کمونیست ترکیه در شهر کلن برگزار گردید، رفقای حزبی ما نیز حضور داشتند. غرغه حزب توده ایران مورد استقبال شرکت کنندگان در مراسم قرار گرفت و آنان به ویژه رفقای حزب کمونیست ترکیه، با بزرگواران شرایط مشابهی که دو حزب در آن سه سر می‌برند، همبستگی بی دریغ خویش را با رفقای دربند توده‌ای، ابراز داشتند.

غرغه حزب توده ایران، به محل بحث و تبادل نظر پیرامون راه‌های دفاع از زندانیان توده‌ای و سایر مبارزین ضد امپریالیست در بند بدل شد. جمعی از رهبران حزب کمونیست ترکیه با حضور در غرغه حزب ما، مراتب نفرت و انزجار خود را نسبت به همکاری دستگاه‌های سرکوب و ترورد ولتی دو کشور و دستگیری توده‌ای‌ها و سایر مبارزین در ترکیه و تحویل عدای از آنان بیهوشانه در مخینان ج. ۱۰، اعلام نمودند. نقطه نظرهای حزب پیرامون چرخش به راست حاکمیت در ایران و رویداد‌های اخیر کشور، توسط رفیقی به جلسه ارائه گردید و حاضرین با فریو زنده باد حزب توده ایران، پایدار باد انقلاب ایران، و برقرار باد همبستگی بین‌المللی زحمتکشان، عزیمت خود را در تحکیم پیوند میان خلق‌ها و احزاب برادر دو کشور، برای تأبوی ارتجاع دشمنان

همبستگی خلل ناپذیر میان مردم یونان و ایران در مبارزه بخاطر استقلال و آزادی

طی برگزاری مراسم یادبودی که به مناسبت حوادث تاریخی سال ۱۹۷۳ - حوادثی که منجر به برانداختن حکومت دیکتاتوری نظامیان در یونان گردید - در محل دانشکده پلی تکنیک آتن و نیز تظاهرات با شکوهی که بدین منظور انجام گرفت، هواداران حزب توده ایران در این شهر نیز ضمن برپائی غرفه‌ای، همبستگی خود را با مبارزات دمکراتیک مردم یونان نشان دادند. بدین مناسبت همچنین هواداران حزب و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در یونان، پیام‌های همبستگی خطاب به کمیته برگزار کننده مراسم فرستادند.

شرکت کنندگان در مراسم فوق و مردم آزادی خواه یونان، با اعضای فرم‌های اعتراضی نسبت به بازداشت‌های غیر قانونی و شکنجه‌های وحشیانه زندانیان توده‌ای و دمکرات، همبستگی



”خودکشی“، پوشش جدید اعدام!

رئیس زندان معتقد است، باید همه آنها را اعدام کرد. گزارش خبرنگار ”سندی تایمز“ این سؤاله را تأکید می‌کند. آنطور که از گزارش بر می‌آید، اعدام‌ها حتی آغاز شده‌اند؛ منتهمی تحت پوشش ”خودکشی“!

این امر، مبارزین ضد فاشیست را به یاد متد های گشتاپو می‌اندازد.

خطر، زندگی زندانیان را به شدت تهدید می‌کند و اقدامات فوری، همبستگی با آنان ضروری است.

چند ماه پیش، هیأتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان و خبرنگاران بین‌المللی درخواست روادید برای عزیمت به ایران نمود، تا از نزدیک اتهامات وارده را بررسی و به شکایات و شرایط محاکمات رسیدگی نماید.

اتحادیه ضد فاشیست‌ها و کسانی که تحت پی‌گرد نازیها قرار داشتند، از کلیه دمکرات‌ها می‌طلبید که به اعتراضات فوری دست زنند. خطر بزرگ و وقت تنگ است. زندگی زندانیان را خطر جدی تهدید می‌کند، زیرا که آغاز محاکمه، حکم دادگاه و اعدام فوری، ممکن است در فاصله کوتاهی به وقوع بپیوندد. بنابراین همراه با ما بخواهید که:

— محاکمات در دادگاه‌های عادی انجام یابد.

— ناظرین بین‌المللی در دادگاه‌ها حضور یابند.

— کلیه زندانیان، که مطلقاً گناهی مرتکب نشده‌اند آزاد شوند.

هیأت رئیسه اتحادیه ضد فاشیست‌ها و کسانی که تحت پی‌گرد نازی‌ها در آلمان فدرال قرار داشتند در تاریخ ۳۰ نوامبر (۹ آذر) اطلاعیه‌ای مطبوعاتی در مورد تشکیل دادگاه اعضای حزب توده ایران انتشار داده که متن آن چنین است:

”برای جلوگیری از اعدام‌ها، باید بیهوشانه اقدامات عاجل دست زد.“

۶ دسامبر (۱۵ آذر) روزی است که میهن پرستان ایرانی به دادگاه نظامی احضار می‌شوند.

طبق اطلاعیه داستانی تهران، در تاریخ ۶ دسامبر (۱۵ آذر)، محاکمه اعضای حزب توده ایران و دیگر میهن پرستان در دادگاه نظامی آغاز خواهد شد.

ماها است که در ایران، ایجادجوی جهت انجام اعدام‌ها تدارک دیده می‌شود. به حزب توده ایران، از طریق جعلیات و افتراات، نسبت ”جاسوسی“ داده شده و بر این پایه ”اعضا“ و هواداران حزب، جز ایشان اعدام است! یعنی از تشریفات معتقد به این امر است که مجازات اعدام در حق این افراد، واقعاً ”حداقل“ مجازات است!

رئیس زندان اوین تأکید می‌کند:

”توده‌ای‌ها کافرند و بنابر این قابل دفاع نیستند!“

بدین ترتیب، کسانی که به زندان و شکنجه گاه کشیده شده‌اند، هیچ گونه حقی ندارند.

در هفته ای که گذشت:

توطئه های آمریکا،

به مرحله اجرا در می آید!

در روزهای گذشته آهنگ اعمال سیاستهای تجاوزگرانه آمریکا در خاور نزدیک و میانه شتاب بی سابقه ای یافته است .

به دنبال مسافرت شامیر، نخست وزیر اسرائیل، به آمریکا در تکمیل موافقت نامه های پیشین، توافقنامه استراتژیک تازه ای میان اسرائیل و آمریکا به امضاء رسیده که بر اساس آن اسرائیل تعهدات تازه ای در اجرای سیاست های تجاوزگرانه آمریکا به عهده خواهد گرفت .

به دنبال این طرح مشترک، مردم جهان در روزهای اخیر شاهد بودند که تهاجم همه جانبه به لبنان با تهدید آشکار سوریه به تعرض تکمیل شد .

این بار نیز هم چون گذشته کوشش شد تا این برنامه های تجاوزگرانه تحت پوشش "حفظ امنیت" اسرائیل توجیه شود . ریگان در مصیافتی که به افتخار شامیر ترتیب یافته بود اظهار داشت که :

" آمریکا هم چنان مراقب امنیت و آسوده اسرائیل خواهد بود "

امپریالیست ها و صهیونیست ها ، در توجیه این تدارکات نوین ضد انقلابی ، اقدامات دفاعی سوریه در شرایط خطر فزاینده از طرف اسرائیل

را بهانه می کنند . راهزنان آمریکائی و اسرائیلی با همین بهانه به لبنان تجاوز کردند و هزاران نفر از رزمندگان فلسطینی و مردم بی گناه این کشور را به طرز فجیعی به قتل رساندند . سوریه انقلابی امروز سنگر اصلی مقاومت در برابر سر اهداف تجاوز کارانه و توسعه طلبانه امپریالیست ها و صهیونیست ها است و سازمان آزادی بخش فلسطین و نیروهای جبهه پایداری لبنان ، آماج های اصلی تدارکات نوین آنانند .

تمرین حمله به سوریه نشان داد که گذار از تدارک به حمله ، به حمله بدل شده است . امپریالیسم آمریکا برای آغاز این حمله ، ابتدا به تجمع آرایش نیروهای نظامی خویش در لبنان و مرز های اسرائیل پرداخت و نیروهای نظامی خود را در حد بی سابقه ای افزایش داد ؛ سپس به

اختلافات درون جبهه متحد نیروهای سازمان آزادی بخش فلسطین دامن زد ؛ از سوی دیگر گرایش تسلیم طلبانه و ارتجاع عرب را تقویت نمود و اینک حمله خود را آغاز کرده است .

از سوی دیگر و هم زمان با این اقدام تجاوز کارانه در روزهای اخیر وزارت دفاع آمریکا از ایجاد یک فرماندهی جدید در منطقه خلیج فارس قبل از پایان سال جاری گزارش داد . در اطلاعیه وزارت دفاع آمریکا آمده است که مرکز این فرماندهی جدید برای نیروهای واکنش سریع

در عرشه یک ناو جنگی در خلیج فارس تأسیس خواهد شد . وزارت دفاع آمریکا هم چنین اعلام کرد که این مرکز فرماندهی جدید آمریکا در خلیج فارس با کلیه دولت های طرفدار ایالات متحده در تماس خواهد بود . بی جهت نیست که در همین هفته یک مانور مشترک نظامی با شرکت نیروهای هوایی عربستان سعودی و کویت انجام گرفت .

در حالیکه تهاجم عمومی امپریالیسم در کانون های متعدد ، جبهه جهانی ضد امپریالیستی را با کار تدارک جدی مقابله با تجاوز به شدت درگیر کرده است ، شوونیسم عظمت طلبانه و موضع گیری های سرپا خلد درست رهبران چپ نیز دستاویز مهمی برای کارزار تبلیغاتی و جنگ روانی امپریالیستی با هدف دخالت نظامی فراهم آورده است . و همانطور که قابل پیش بینی بود امپریالیسم نیز فرصت را مغتنم شمرد و از بهانه جنگ ایران و عراق و قمار پوچی که سردمداران چپ با تهدید بستن تنگ هر روز آغاز کردند استفاده کرد تا بر حضور روز افزون خود در منطقه بیفزاید و اتحاد نظامی با ارتجاع منطقه را تقویت کند ؛ از این روست که اینک با تشکیل ستاد فرماندهی مشترک امپریالیسم و ارتجاع در عرشه کشتی های جنگی در خلیج فارس ، بذر کشته رادرو و حمله به سوریه را آغاز می کند .

اوپک و تعیین بهای نفت

در هفته جاری ، ۶۹ -مین اجلاسیه وزیران نفت ۱۳ کشور عضو اوپک به منظور بررسی وضع سهمیه و قیمت نفت و هم چنین تعیین دبیر کل جدید اوپک در ژنو برگزار می شود .

در سال گذشته و به خصوص در دو اجلاسیه گذشته ، " اوپک " با جبهه گیری وسیعی از جانب همه کشورهای امپریالیستی و کلیتاً انحصارات نفتی علیه خود مواجه شده است .

در رأس این جبهه ، امپریالیسم آمریکا و اعضای کارتل بین المللی نفت قرار دارند . آنها سعی می کنند اوپک را متلاشی کنند و سپس کشورهای نفت خیز در حال رشد را یکی پس از دیگری به قبول شرایط سنگین فارتگرانه امپریالیستی و انعقاد قرارداد های امتیازی و فروش نفت به قیمت ارزان مجبور کنند .

تشدید بحران سیستم جهانی سرمایه داری و کاهش عمومی تولیدات صنعتی در غرب و اقداماتی که برای صرفه جویی در مصرف انرژی صورت گرفته است ، مصرف جهانی نفت و در نتیجه تولید نفت در کشورهای " اوپک " را به طور قابل ملاحظه ای کاهش داده است .

از سوی دیگر کشورهای امپریالیستی و کسرن های نفت هم زمان با ذخیره سازی کوشیدند بازار نفت را با افزایش عرضه در مقابل کاهش

تقاضا مواجه سازند و بدین طریق پایه اقتصاد کاهش عمومی قیمت نفت را به وجود آوردند . به طوریکه در آخرین کنفرانس اوپک ، قیمت نفت ۲۴ دلار برای هر بشکه به ۲۹ دلار تقلیل یافت امپریالیسم در پی تفرقه اندازی در اوپک به

منظور تسلط بلا منازع بر بازار جهانی نفت ؛ عربستان سعودی به مثابه بازو و اهرم فشار اقتصادی بر اوپک در این راستا استفاده می کند . ریاض برای خوشایند امپریالیستها ، بارها از افزایش قیمت نفت جلوگیری کرد و با افزایش خود سرانه تولید نفت خویش از سهمیه ای که توسط اوپک تعیین شده بود ، به افزایش مرضا جهانی و کاهش قیمت نفت یاری رسانده است . زمانی که در نتیجه جنگ ایران و عراق ، میزان استخراج نفت کاهش یافت ، جریان نفت عربستان سعودی بازار جهانی را به حالت اشباع درآورد . هدف آمریکا و متحد سعودی اش به ویژه آن است که با این ترفند ها کشورهای ضد امپریالیستی لبیبی و الجزایر و دیگر دول مرفقی عضو اوپک را تحت فشار اقتصادی قرار دهند .

در اجلاس کنونی امپریالیست ها بار دیگر در تب و تابندتا ضمن دامن زدن به اختلافات بر سر سقف تولید و انتخاب دبیر کل جدید ، پهای نفت را تا سطح بشکه ای ۲۷ دلار پایین آوردند .

در چنین وضعیتی ، کشورهای عضو اوپک تنها در شرایط وحدت و یک پارچگی کشورهای مرفقی می توانند در مقابله با انحصارها به موفقیت برسند .

شواهد و شایعات گوناگون حاکی از آنند که دولت چ ۱۰۱۰ در حالیکه در حرف مدافع سر سخت افزایش قیمت جهانی نفت است ، در عمل بخش مهمی از صادرات نفت ایران را به قیمتی بسیار کمتر از قیمت رسمی اوپک (یعنی ۲۵ دلار) به فروش می رساند . باید انتظار داشت که زاستگرایان و آستان بوسان امپریالیسم در اجلاس آتی اوپک نیز ، همین نقش دورویانسه را ایفا کنند . در گفتار مبارزه با امپریالیسم ، در کردار همکاری با امپریالیسم !

«صدور» مظاهر حاکمیت ج.ا. به بنگلادش

رادیو ایران در اخبار روز دوشنبه ۷ آذر اعلام داشت :

" آقای علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه " ج ۱۰۱۰ در رأس هیأتی ۰۰۰ پس از دیدار کوتاه خود از دهلی - به منظور شرکت در چهار - دهمین اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی که فردا در داکا گشایش خواهد یافت عازم بنگلادش شد . "

این مسافرت و بازدید از کشور دوست و برادر را بنگلادش در زمانی انجام گرفته است که مبارزات حق طلبانه مردم تحت ستم این کشور ، طیسه دیکتاتوری نظامی دست نشاندۀ امپریالیسم اوج می گیرد . روزنامه " کیهان " مورخ ۷ آذر می نویسد :

نمایش اشباح مسخ شده قربانیان زندان

زندانیان اوین ، پند های مخوف و سلول های دهشتناک و ابزار و آلات متعدد و پیچیده های برای شکنجه دارد که به مراتب مرگبار تر از آن زندان "آماده و ترتیب" داده شده های است که آندرو - ویچ توصیف و تصویر کرده است .

توده ایهای دریند، در آن سلول ها و شکنجه گاههایی به سر می برند که جز دادستان کل و شکنجه گران ویژه" دستگاه های جاسوسی بین المللی و " موجوداتی " چون پزشک احدی و مشاوران آنان در حاکمیت ج ۱۰ به آنجا راه ندارند . از آن سلول های شکنجه ، با وجود درخواست محافل سیاسی ، حقوقی و پزشکی بین المللی ، مبنی بر باز دید از این بندها و سلسول ها و زندانیان آن ، تا کنون جز نوارهای تلویزیونی "اقراریه" ، اسناد جعلی به اصطلاح جاسوسی و پرونده سازی جهت قتل عام توده های ها ، چیزی دیگری بیرون نیامده است .

این تنها گوشه ای از حد " قضا " و نحوه " آموزش و تهذیب " و فضای رعب آورو فرساینده " دانشگاهی " است که سردمداران ج ۱۰ ، به افتخار داشتن "حق انحصاری" از آن نائل آمده اند . در واقع باید گفت : خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل !

این ماجرای غم انگیز ، این ملت کشی ارتجاع ، این بربریت سیاه قرون وسطائی ، سینه بی دفاع چه زنان و مردانی را هدف گیری کرده است ؟

" به طور غیر رسمی بیش از ۶۰۰۰ هزار زندانی یا بیشتر، در آن واحد در این زندان وجود دارند که بعضی از آنها گروگانند . به طور رسمی ، بیش از ۵۰۰۰ نفر از بد و انقلاب تساکنون ، اکثرا در اوین اعدام شده اند . به طور غیر رسمی ، زندانیان از اعدام ۴۹۰ نفر ، تنها در یک شب صحبت کردند ."

لاجوردی در مصاحبه ای با سندی تایمز - ۲ نوامبر - اظهار داشته است که برای شکوفایی اسلام در این سرزمین ، حداقل می توان یک میلیون انسان را به هلاکت رساند !

آندرو - ویچ که به نوشته خود " حد اکثر نمی از زندانیان و نصف زندان را دیده است " هیچ گاه از " توده های دریند " ، سخنی به میان نمی آورد . " پس آنها کجا هستند ؟"

بقیه از صفحه ۶
است که گناه او را ثابت می کند ."

آندرو - ویچ ادامه می دهد :
" ولی متأسفانه در این دفتر ، در آن موقع قفل بود . بنا بر این ما موفق به دیدن آن پرونده ها نشدیم ."

آندرو - ویچ در پایان گزارش می نویسد :
" سرود خوانی ، ندامت گویی و سینه زنی ، حدود یک ساعت طول کشید . بچه ها نزد مادران رام و مطیع بودند . آنها هیچ چیز نمی خواستند . آنها گاه تماشا می کردند و مواقعی کلمات را به تقلید بر زبان می آوردند ."

" یکی از پزشکان اروپائی متخصص اطفال ، قصد داشت از برخی از مادران دریابد ، رفتار با اطفال آنان چگونه است . به آنها غذای خوب داده می شود ؟ اتاق مشترکی به مادر بچه تعلق دارد ؟ وقتی پاسخها شروع شد ، مأموری سر رسید . زنان که در صدد بودند بازتر صحبت کنند ، ساکت شدند ."

در هفته ای که گذشت:

کشورهایی که نظام تولیدی و صنعتی خود را بنا ماشین های پیچیده کامپیوتری و دستگاه های عظیم تنظیم گرداگره می کنند ، دست یافت ؟ اعمال چنین سیاستی نه در جهت بر آوردن " نیازهای صنعتی کشور " ، بلکه در راستای تجدید دامنه پیشرفت و کند کردن آهنگ ناگزیر تکامل نیروهای تولیدی حرکت می کند که در کنار خود فقر فرهنگی ، فنی و تکنیکی را نیز دامن خواهد زد .

بود (کیهان ۸ آذر ماه) با اخراج عده ای از دیپلمات های اتحاد شوروی از این کشور تکمیل گردید . بیهوده نیست که مقامات بنگلادش با استقبال گرم از آقای ولایتی ، حق استادی ! راستگرایان ج ۱۰ ، بر پاس می دارند ! سرمداران ج ۱۰ ، سرانجام در امر " صدور " مظاهر حاکمیت خود به " سایر کشورها " ، موفق می شوند !

بقیه از صفحه ۱۲
" صد ها تن از روزنامه نگاران بنگلادش به منظور اعتراض به دخالت دولت این کشور در امور روزنامه ها ، در خیابانهای داکا پایتخت بنگلادش دست به تظاهرات زدند . تظاهرات کنندگان علاوه بر اعتراض نسبت به دخالت مقامات موسسات دولتی در امور روزنامه ها ، خواستار لغو حکومت نظامی در این کشور شدند ."

کوشش حاکمیت راستگرای ج ۱۰ ، در حفظ و توسعه روابط گسترده سیاسی و اقتصادی با رژیم های نظامی دست نشانده امپریالیسم در منطقه ، چون پاکستان و ترکیه ، تازگی ندارد . مردم مینهن ما حمایت صریح و آشکار آنها را از ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان - در اوج مبارزات مردم این کشور - فراموش نکرده اند .

دیکتاتور نظامی بنگلادش نیز برای تحکیم موقعیت ارتجاع ، به حربه سرکوب مقاومت خلقی متوسل شده است . " در پی تظاهرات خونین روز دوشنبه در داکا که منجر به کشته شدن ۵ تن و زخمی گردیدن صدها نفر شد ، دیکتاتور پایتخت بنگلادش به حال تعطیل و اعتصاب عمومی درآمد و کلیه فعالیت های اجتماعی در این شهر متوقف شد (جمهوری اسلامی ۹ آذر) ."

و " ۰۰۰ و زوال ارشاد طی نطقی کاهزاد یو بخش شد اجرای مقررات منع عبور و مرور را به مدت ۱۴ ساعت در روز در سراسر کشور اعلام کرد " (کیهان ۸ آذر) .

سناریوی سرکوب خونین جنبش مردم که با ممنوعیت فعالیت سیاسی احزاب مترقی همسراه

آقای مشاور وزارت کار از کدام قرن خواب آلود چشم به دنیای امروز گشوده اند؟

حزب توده " ایران ، که همواره تأمین تمامی حقوق کارگران را سرلوحه خود قرار داده ، به منظور شکوفای ساختن استعداد های نهفته کارگران ، به امر آموزش فنی و حرفه ای آنان توجه خاصی می ذول داشته است و در برنامه خود ، آشنا شدن و گذراندن دوره های تخصصی و فنی را برای کارگران ، امری الزامی و ضروری دانسته است . ما در پیشنهاد های خود بر کارآموزی کارگران در مجتمع های بزرگ صنعتی و آموزشی نحوه کار با دستگاه های پیچیده ، تولیدی و کسب مهارت در آن ها را مورد تأکید قرار داده ایم . گذراندن دوره های تخصصی ای که با تأمین حقوق کارگران و آموزش تئوریک آنان همراه باشد و آشنائی با پیشرفته ترین دستگاه های تولیدی ، تنها بخشی از این برنامه عظیم آموزشی است . کارگران آگاه ما ، که به تجربه دریافته اند بدون دانش فنی و حرفه ای هم خوان با سطح پیشرفت تکنولوژیک امروز جهان نمی توان در عرصه صنعت و خود کفایی ، به پیشرفتی دست یافت ، خوب می دانند " احیاء روش های طلبگی " و " استاد شاگردی " به منظور بر آوردن " نیاز های صنعتی کشور " ، طرح بی پایه و بی نتیجه دیگری است که در اساس برای شانه خالی کردن از پاسخگویی به نیازها و خواست های مترقی طبقه کارگر ایران شکل می گیرد .

در دومین روز سمینار مدیران و رؤسای ستادی و اجرایی وزارت کار ، مشاور آموزش فنی و حرفه ای این وزارتخانه ، در رابطه با برنامه های وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه آموزش فنی و حرفه ای گفت :

" بر اساس طرحی که در دست تکمیل می باشد با احیاء روشهای طلبگی و " استسداد و شاگردی " در آموزش فنی و حرفه ای می توانیم نیازهای صنعتی کشور را بر طرف نمائیم !"

(اطلاعات - ۶ آذر) .

در واقع باید پرسید آقای مشاور آموزش فنی و حرفه ای وزارت کار از کدام قرن خواب آلود چشم به دنیای امروز گشوده اند ؟ آیا سطح پیشرفت صنعت در کشور ما ، به آن حد تولید صنایع دستی و ۰۰۰ که با روش های سنتی انجام می گیرد ، بازگشته که بتوان " نیازهای صنعتی کشور " را با " احیاء روش های طلبگی و استاد شاگردی " بر طرف کرد ؟ آیا می توان با اتکاذ چنین سیاست هایی به " خود کفایی " رسید و به سطح پیشرفت های روز افزون فنی و تکنولوژیک

بودجه سال نو: نه استقلال، نه رفاه!

بقیه از صفحه ۱
دولت و بودجه سال نو، تلاشی مذبحخانه برای جعل واقعیات و فریب مردم است.
در برنامه پنج ساله، سهم "بخش خصوصی" در سرمایه‌گذاری در صنعت و معدن ۴۹ درصد کل سرمایه‌گذاری در این بخش است که نسبت به زمان شاه ۲ درصد افزایش نشان می‌دهد.
صنایع ایران هم اکنون به، ویژه از نظر مواد خام، وسایل یدکی، تکنولوژی به گفته وزیر صنایع تا ۸۰ درصد وابسته به خارج است (اطلاعات - ۱۰ مرداد ۶۱) تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که بخش خصوصی، علاقه ویژه‌ای به سرمایه‌گذاری پرسود در صنایع مونتاژ و کالاهای مصرفی با دوام و کم درآمد، بودجه سال نو، این روند را شکل می‌دهد. اما افزون بر این، در بودجه سال ۶۳ تبصره‌ای گنجانده شده است که بر اساس آن:

"شوراهای برنامه ریزی استان اگر طرح‌های تولیدی را در استان ولجند شرایط بداند (به ویژه اگر این طرح‌ها بسیار مهم و اساسی باشد و استراتژیک باشد) از بانک استنسان بخواهند به بخش خصوصی وام بدهد" (بانکی همانجا).

به این ترتیب، امکانات سرمایه داران بزرگ برای افزایش سهم خویش در سرمایه‌گذاری صنعتی ۸۰ درصد وابسته، یا در اختیار گذاشتن بخشی از ثروت مردم افزایش می‌یابد.

سرمایه‌گذاری دولتی در بخش صنعتی در سال ۶۳ نیز، به طور عمده به ادامه پروژه‌های پر خرج و وابستگی آفرین رژیم شاه (پتروشیمی ایران و ژاپن - فولاد مبارکه ایران و ایتالیا - خودروسازی ایران و کمپانی انگلیسی - آمریکایی تالیوت ۰۰۰) اختصاص دارد.

بازارهای کشور، بیش از پیش از کالاهای امپریالیستی انباشته می‌شود. نخستین آمارها، بیانگر آنند که بیش از ۲۰ میلیارد دلار از مجموع ۲۳ میلیارد دلار واردات کشور از کشورهای امپریالیستی و وابسته به امپریالیسم خریداری می‌شوند. برای واردات این کالاهای بخش بزرگی از درآمد نفت به صورت ارز دولتی در اختیار بازاربان بزرگ قرار داده می‌شود. بازاربانان "حزب الهی" سهم اصلی را در توزیع توام با احتکار و گران فروشی کالاهای وارداتی و داخلی به عهده دارند. آنان گردانندگان اصلی بازار سیاه پر روتق سراسر کشور هستند. از ناحیه آنانست که به اعتراف نخست وزیر:

"امروز تلاش منظمی برای سست کردن مختصر نظارت و کنترلی که دولت بر روی کالاهای اساسی دارد به عمل می‌آید (تختت وزیر - همانجا).

حاکمیت راستگرا و تسلیم طلب ج.ا.و، در حالیکه راه را برای توسعه فعالیت انگلی آنان بیش از پیش باز می‌کند و گام به گام در برابر

آنان عقب می‌نشینند، باز نجوموره و نفرین واستخاکه خواستار رعایت "عدل و انصاف اسلامی" از آنان است.

به این ترتیب بودجه سال نو، در عرصه تولید صنعتی و واردات و توزیع کالاها، به طور عمده در خدمت منافع سرمایه داران بزرگ و نوسازی وابستگی به امپریالیسم جهانی قرار دارد.

در بخش کشاورزی بنا بر برنامه پنج ساله اول، ۶۲ درصد سرمایه‌گذاری، از آن بخش خصوصی بود. با آغاز روند بازگرداندن زمین‌ها به دهقانان که در سال ۶۳ نیز ادامه خواهد داشت، سهم بزرگ مالکان در سرمایه‌گذاری کشاورزی و استثمار دهقانان و کارگران کشاورزی افزایش می‌یابد. این امر، بحران اقتصادی کشاورزی را به زیان کارگران کشتا و رزی و دهقانان بی‌زمین و کم زمین و میانه حال گسترش خواهد داد و نیاز به واردات محصولات غذایی

و کشاورزی و دامداری را که هر روز نیز نسبت به دوران شاه افزایش چشم گیری نشان می‌دهد خواهد افزود. در این مدت ۱/۵ میلیون تن گندم در سال وارد می‌شود، تبدیل به ۲ میلیون تن و سپس بیش از ۲/۵ میلیون تن در سال شده است و این یعنی فاصله گرفتن از خودکفایی و تشدید وابستگی (عضو کمیسیون برنامه بودجه مجلس - احمد زرهانی - اطلاعات، ۷ آذر ۶۲).

مانند سال جاری، ۳۰ درصد از بودجه ۶۸۱/۲ میلیارد تومانی دولت، به نوعی صرف ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق خواهد شد. به حساب سندها، هر خانواده ۴ نفره ایرانی در سال آینده می‌بایست هر ماه، نزدیک به دو هزار تومان - بیش از حداقل دستمزد ماهانه یک کارگر - برای "گرم نگاه داشتن تنور جنگ" بپردازد. خسارت اقتصادی جنگ، تا کنون از مرز ۲۰۰ میلیارد دلار گذشته است. هر خانوار ۴ نفره ایرانی می‌باید ۲۰۰ هزار تومان نیز برای جبران این خسارت بپردازد. ایسن کار مستتر آنست که نزدیک به نیمی از منابع موجود نفت ایران به فروش برسد. بی‌گمان ادامه جنگ، بازمانده ثروت ملی ما را نیز به باد خواهد داد.

این ارقام تخمینی تنها بعد از اقتصاد فاجعه عظیمی را نشان می‌دهد که نخست وزیر آن را "نوعی سرمایه‌گذاری برای ملت ما و همه ملت‌های محروم جهان" می‌نامد.

کسری بودجه دولت نیز، ایجاد پیش‌بینی شده برنامه پنج ساله را در هم شکسته است. نخست وزیر و روزنامه‌های مجاز ادعا می‌کنند که کسری بودجه ۳۵۰ میلیارد ریال است. اما رقم واقعی (در صورتی که اخذ مالیات از ثروتمندان به حد نصاب برسد، امری که در جمهوری اسلامی سابقه ندارد) ۷۲۸ میلیارد ریال است که ۲۴۱/۵ میلیارد ریال از محل بودجه عمرانی جذب نشده سال ۶۲ و مابقی از محل چاپ

بی‌پشتوانه اسکناس تأمین خواهد شد. این امر به معنای تشدید سرسام آور تورم است که هم اکنون نیز برای مردم غیر قابل تحمل است. بیار این گرانی کمر شکن، بیش از پیش بردوش کارگران، دهقانان، کارمندان و زحمتکشان شهری سنگینی خواهد کرد. چرا که در سال آینده نیز دستمزد کارگران و حقوق کارمندان افزایش نخواهد یافت، و قیمت خرید محصولات کشاورزی از دهقانان تغییر نخواهد کرد. در این زمینه تنها:

"دولت ۰۰۰ برای حمایت از منافعی کارمندان و کارگران و کشاورزان و سایر اقشار مستضعف، خود را موظف می‌داند که نظارت و کنترل خود را بر توزیع کالاهای اساسی ادامه دهد، چرا که تردید ندارد اگر در این راه سست شود، بهای این دسته از کالاها نیز به همانجا خواهد رفت که قیمت برنج رفته بود و تردید ندارد که صاحبان درآمد های ثابت، آنچه را که اکنون اگر به سختی به دست می‌آورند، در آن هنگام به دست نخواهد آورد."

تمامی لاف و گزاف‌های مشحش سردمداران ج.ا.و در خدمت به مستضعفان، در عمل به همین محدود می‌شود که با صلح رحم و اطعام مساکین، نان بخور و نمیری در دسترس آنان قرار دهد تا از گرسنگی نمیرند و چرخ سر مایه را هم چنان بچرخانند. هزینه‌های مربوط به خدمات و تأمین اجتماعی، آموزش و بهداشت و ۰۰۰ یا تغییر نکرده است و یا تا حدی افزایش یافته‌اند که پاسخگوی تورم موجود نیست. تنها افزایش نسبتا چشمگیر در هزینه بهداشت و درمان است (۳۳٪) که آن هم صرف جبران گرانی سرسام آور دارو و درمان مجروحین جنگ خواهد شد. به این مجموعه می‌بایست رقم ناچیز پرداخت صدقه، به فقرا و روستاها (طرح موسوم به شهید رجایی) را نیز افزود. سهم اصلی مستضعفان در سال آینده نیز "رنج و پردباری" خواهد بود. درخواست لقمه نانی بیشتر "رفاه طلبی" است.

"همه وظیفه داریم رفاه طلبی را تشویق نکنیم و خود نیز نخواهیم ۰۰۰ به رفاه طلبی دامن زنیم."

البته در این صورت "دولت خدمت گزار با درک شرایط کشاورزان و کارمندان و کارگران شریف و اقشار مستضعف" که "بار تورم، کمپایی و ناپایی کالاهای مصرفی اصلی را به دوش می‌کشند" و "رنج‌های فراوانی بر خود و خانواده خود هموار می‌سازند" در برابر آنان سر تعظیم فرود می‌آورد ۰۰۰ تا بتواند پی‌گیرتر و صادقانه تر از همیشه در خدمت این اقشار باشد؟! (ج.ا.و ۹ آذر ۶۲).

احیاء و نوسازی وابستگی به امپریالیسم جهانی، برباد دادن ثروت ملی در میدان‌های جنگ توسعه طلبانه، کارچاق کبی برای سرمایه داران و زمین داران بزرگ و تنظیم رباکارانه در برابر مردمی که به "رنج و پردباری" محکوم می‌شوند و بودجه سال نو، جز این به ارمغان نخواهد آورد.

بوقر از باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

"محاكمة" توده‌ای‌ها در پیدادگاه‌های نظامی، پشت درهای بسته ...

بقیه از صفحه ۱

انقلاب، صدها حزب، سازمان و اتحادیه کارگری مترقی و دمکراتیک جهانی، علیه این انتقام کشی سبعانه و محکوم، عطیه اعمال شکنجه‌های هستی سوز جسمی و روانی، علیه شلثاق‌های پیدادگاه‌ها که سردمداران ج ۱۰، پسه پیروی از "رهنمود های" برزیلنکی و با نظارت و مشورت مستقیم شخص رهبری انقلاب به راه انداخته‌اند، به پسا خاستند و با ارسال نامه‌ها، تلگراف‌ها، مراجعه حضوری به سفارت‌خانه‌های ج ۱۰، بر پائسی تظاهرات و کنفرانس‌های پزشکی، حقوقی و مطبوعاتی، این اعمال تنگین و نفرین شده را محکوم کردند و از مراجع قضائی، دولتی، رهبریتی و ... یارها و به اصرار خواستند: اگر "رفقار عطوفت-آمیز" شما، هم خوان با موازین انسانی است و "اعمال شکنجه"، شایخه‌های پیش نیست، یه هیأتی بی طرف، متشکل از پزشکان، محققان، ناظران بین المللی، برای بررسی وضع زندانیان از نزدیک، و حضور در "محاکم" آنان اجازه ورود به ایران داده شود. این خواست‌های به حق و منطقی، همان گونه که انتظار می‌رفت، بی پاسخ ماند!

در واقع سردمداران ج ۱۰، چگونه می توانستند زیر چنین "اجازه" ای را امضا کنند؟! آنها چه می‌خواستند و می‌توانستند ارائه بدهند: پای تیر خورد، پیر مرد سپید موئی را که به رفقار مغول وار مأمران گننام و با نام ج ۱۰، هنگام دستگیری اعتراض کرده است؟! بیکر بی-جان و مد هوش کودک ۴ ساله‌ای را که از دیدن این یورش سبعانه، شوکه شده و هنوز قسادر به تکلم نیست؟! دست تلخ شده "جاسوسی" را که از مال دنیای پندارد؟! پدن لمس شده انسانی را که افتخار جهان فلسفه و هنر و دانش است؟! بیکر مجاله شده و سوخته رفیق شهید ریاحی د هکردی؟! قلب سوراخ سوراخ شده!

رفیق شهید حسن حسین پور تیریزی؟! حکم "خودکشی" توده‌ای‌های زیر شکنجه به قتل رسیده؟! گورهای بی نام و نشان و متروک شهدای توده‌ای در "لعنت آباد"؟! ...

واقعا سردمداران ج ۱۰ هنگام نشان دادن "رأفت اسلامی" خود، چه چیزی برای ارائه دارند؟ دادگاه‌های فرمایشی ای که ایستادگان خائن به منافع مردم برپا ساخته‌اند، برپایه کدام ضابطه و معیار انسانی، قانونی، بین المللی استوار شده که جرأت تحمل حضور خبرنگاران خارجی، وکلای مدافع بین المللی و ناظران و نمایندگان سازمان‌ها و احزاب جهانی را داشته باشند؟! کدام مدرک و سند معتبری در این دادگاه‌ها ارائه می‌شود که برای عرضه آن به جهانیان، به حضور نمایندگان افکار عمومی بین المللی نیاز باشد؟! واقعتاً اینست مفاد "پرونده‌های" که بسر

اساس آن، چنین "دادگاه" های نظامی در بسته، خالی از اغیاری ترتیب داده شده، سال‌ها پیش تنظیم و تهیه شده است. به استناد همین "پرونده" ها، بارها و بارها کمیست های جهان در جایگاه "متمین" ایستاد هاند و سپس به صندلی الکتریکی یا جوجه‌های اعدام سپرده شده‌اند؛ تنها کسانی که هستی شان، به مرگ مدافعان منافع خلق بستگی دارد و از ثروت مردم، سهمی بیش از آنچه که درخورید آند می‌برند، به نمایش چنین شعبده بازی‌هایی نیاز دارند؟! وگرنه مردم آزاده و انسان دوست جهان، بارها و بارها اعلام کرده‌اند، نه تنها به این ترهات پاورند ارند بلکه آن را، محکوم نیز می‌کنند. آنان می‌دانند پشت درهای بسته این "دادگاه" ها "چه کسی حکم فرمائی می‌کند، بقیه در صفحه ۱۶

سرنوشت انقلاب با...

بقیه از صفحه ۲

انجام مید. مسخ انقلاب بهمین، یازندان و شکنجه و تیرباران ۱۰۰۰۰۰ توده‌های تجربه اجتماعی شگرف تری است، که با پیروزی بازگشت ناپذیر برآمد های آینده انقلاب پیوند خواهد خورد. دشمن با سباحت و حيله گری تمام می‌کوشد، که با از پای انداختن برخی از رهبران حزبی زیر فشار شکنجه های دد منشا نه فوق مد ر ن. و قرون وسطایی جسمی و روانی، جریبان زلال تجربه اندوزی توده‌ها را گل آلود و مخدوش کند. اما ابعاد تجربه و میزان وفاداری توده‌های با سه آرمان های انقلاب آنچنان گسترده است و جریبان زوال انقلاب آنچنان رسوا است، که این تلاش های اهریمنی نیز راه به جایی نخواهد برد.

افزایش کیفیت جنبش انقلابی و شرط نوین وفاداری به آرمانهای انقلاب

در دوره اعتلای انقلاب بهمین، مبارزه ثمر بخش در راه تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب، نیازمند تحقق دو شرط اساسی بود:

شرط اول: بسیج توده‌های میلیونی شهر و ده، از راه ایجاد درگونی بنیادی به سود این توده‌ها

شرط دوم: اتحاد همه نیروها ... در

جبهه متحد خلق (سخترانی در پلنوم هفدهم دنیا شماره ۲ سال ۱۳۶۰-ص ۱۶)

لمروز جنبش انقلابی ایران، بسه دنبال چرخش به راست بهمین ۱۳۶۱، خیانت حاکمیت ج ۱۰ به آرمان های انقلاب، تجربه انسدوزی شگرف توده‌ها، زندان و شکنجه و اعدام ده ها هزار تن از توده‌های و دیگر انقلابیون، تحقق شناخت گردان های مختلف جنبش انقلابی، همراه با زوال دردناک انقلاب، از آگاهی زرق بقیه در صفحه ۱۶

حکومت با شرکت های خارجی (از جمله تالیوت انگلیسی و میتسوبی ژاپنی و ...) به راحتی افشا می‌شد و انحصارات خارجی نمی‌توانستند با حیل‌های مختلف کالا های بتخل خود را با قیمت های چند برابر به ایران سرازیر کنند، در این هنگام طبیعی بود که کارگران و زحمتکشان به سازمان های صنفی و سیاسی خود از جمله انجمن همبستگی جلب شوند. ارتجاع حاکم و حاکمیت راستگرای آن، که خسود به علت سیاست های ضد کارگری اش نتوانسته بود کارگران را به سوی خود جلب کند، در این هنگام احساس خطر کرد و به سازمانهای صنفی و سیاسی طبقه کارگر هجوم آورد. طبیعی است پس از این فاصله عمیقی که بین کارگران و حاکمیت ایجاد شده، حاکمیت دیگر کارگران را از خود نداند. یکی از جلوه‌های این امبر، بی اعتمادی دو طرفه ای است، که روز به روز تشدید می‌شود. کارگران هر چه بیشتر نسبت به حاکمیت بد بین و بی اعتماد می‌شوند. حاکمیت نیز که هیچ گاه به کارگران اعتماد کامل نداشته است، بی اعتمادی روز افزون خود را هر روز به شکل تازه‌ای نشان می‌دهد. آنچه در طرح شورا های صوب مجلس بیش از هر چیز عیان است این بی اعتمادی حاکمیت به کارگران است.

حاکمیتی که خود را به کارگران و زحمتکشان نزدیک احساس کند نیاز به این همه چوب و چماق کشیدن برای کارگران ندارد! امروز کارگران به حق می‌پرسند: چه چیزی در این ۵ ساله تغییر کرده است، که حاکمیت از مشارکت مسا در اداره موسسات وحشت دارد؟ چه چیزی در این ۵ ساله تغییر کرده است، که حاکمیت از شکل های صنفی مستقل ما وحشت دارد؟

تقاضای حق تشکیل شوراهای کارگری ویرگی اصلی قانون "شورای اسلامی کار" است

بقیه از صفحه ۹

زمینه‌ها به آیت الله خمینی بسته بودند. آیت الله خمینی نیز در بسیاری از این زمینه‌ها قول های صمدی به کارگران و زحمتکشان می‌داد. ولی متأسفانه هر چه بیشتر از انقلاب گذشت، عکس گفته‌ها و وعده‌ها به عمل در آمد. کارگران و زحمتکشان ایران دولت موقت را طرد کردند، با این امید که آنها بی خود را مخالف پیروازی لیمیرال قلمداد می‌کردند. سیاستی مخالف دولت موقت در پیش گیرند. کارگران هم چنین بنی صدر را طرد کردند، با این امید که مخالفان او راحت تر بتوانند "سیاست های مردمی" خود را پیاده کنند. ولی در عمل حاکمیت روز به روز بیشتر از کارگران و زحمتکشان فاصله گرفت و به همان نسبت به "بازار" و "ترویسیت های اقتصادی" نزدیک تر شد. کارگران و زحمتکشان بنسبه قانون اساسی رأی داده بودند تا اصل مردمی و دمکراتیک آن به اجرا در آید، ولی نه تنها هیچ يك از اصول مردمی قانون اساسی به اجرا در نیامد، بلکه تمام فشارها بر دوش کارگران و زحمتکشان، که بار اصلی جنگ بر دوش آنان بوده، برانسی این جنگ نلخواسته شدند و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان فارتگر برنده اصلی، البته واضح است، که اگر کارگران سند پکاها و هوراهای مستقل و سراسری خود را می‌داشتند، اگر آنها در اداره موسسات مشارکت می‌داشتند، زود و چند



پاکستان به پایگاه بزرگ آمریکائی بدل شده است

دو سال پیش خبرنگار هفته نامه آمریکائی "نیوزویک" از ژنرال ضیا الحق رئیس جمهور پاکستان پرسید که آیا وی در نظر ندارد در مقابل کمک ۳ میلیارد دلاری آمریکا، پایگاه هائی در اختیار این کشور قرار دهد؟ وی با قیافه "حق به جانب و با عصبانیت خاصی پاسخ داد: "آمریکا از ما هیچ درخواستی نکرده و ما نیز هیچ چیزی را پیشنهاد نمی کنیم".

اوائل اکتبر امسال نیز سایر خبرنگاران آمریکائی پرسش خود را تکرار کردند. پاسخ چنین بود:

"راه حل مسائل امنیتی منطقه، در سپردن پایگاه به کشورهای دیگر نهفته نیست...".

یک هفته پس از آن، یک هواپیمای جاسوسی آمریکائی از نوع "موهک" در پاکستان سقوط کرد. طبق گزارش دقیق یونایتد پرس، ایس، هواپیما از فرودگاه کراچی برخاسته بود. این هواپیما یکی از چهار هواپیمای جاسوسی آمریکائی بود که به سوی کره جنوبی پرواز می کردند.

اکنون دیگر پنتاگون در پایگاه های نظامی واقع در استان بلوچستان پاکستان به طور کامل مستقر شده است. بندر گوادر قرار است به یکی از نقاط مهم نقل و انتقالات نیروهای مداخله

سرنوشت انقلاب...

بقیه از صفحه ۱۵

تر و گسترده تر و کیفیت بالاتری برخوردار شده است. امروز عناصر سازمان ها و جریان های انقلابی، برای ادامه راه انقلاب تا به آخر، بنه هوشیاری و قاطعیت انقلابی بیشتری نیازمندند. این تفاوت شرایط عینی و ذهنی جنبش انقلابی، نسبت به دوران اعتدالی انقلاب را می توان در شرط نوین زیر خلاصه کرد:

"شرط سوم، پندآموزی نیروهای انقلابی از اشتباهات گذشته خویش و تلاش مسئولانسه و قاطع برای رفع آنها".

اگر در دوران اعتدالی انقلاب، سازشکای و مماشائگری با دشمنان انقلاب و پرچم داران تسلیم به امپریالیسم و ارتجاع اشتباه سیاسی محسوب می شد که بعد شمن یاری می رسانند، امروز سازش با مسخ کنندگان انقلاب، بیانگر تصمیم آگاهانه برای فریب توده ها و تسلیم آنان در برابر امپریالیسم و ارتجاع است.

اگر تا دیروز برای برخی چندان روشن نبود،

سریع آمریکا بدل شود. جزیره مهدی کوه در نزدیکی بندر گوادر، در حال حاضر یک پایگاه راداری بسیار عظیم نیست، بلکه مرکز جاسوسی بسیار کار آوری هم هست که به مسائل مخاپیسات الکترونیکی مجهز است.

طبق گزارش روزنامه های بین المللی: امیدان هوائی (فرودگاه) دیگر نیز برای نیروی هوائی آمریکا در حال احداث است. علاوه بر این، ایستاد ولت آمریکا در پاکستان، هدایت کمپیوتری پروازها، انبارهای اسلحه نیروی های مداخله سریخ و ۰۰۰ مشغول ساختن پایگاه های مجهز و مدرن دیگری نیز هست.

با توجه به این "ساخت و ساز" ها، معنای سخنان گهر بار ضیا الحق اسلام دوست را بهتر می توان درک کرد!

برگزاری کنگره حزب کمونیست ترکیه

پنجمین کنگره حزب کمونیست ترکیه، که در شرایط مخفی فعالیت می کند، برگزار شد. در بیانیه ای که از سوی این حزب به مناسبت برگزاری موفقیت آمیز کنگره پنجم آن صادر شده، آمده است:

"این واقعه (برپائی پنجمین کنگره حزب) نشان می دهد که به رغم صدمات جدی و سختی که یورش های پلیسی در ماه مه ۱۹۸۱ و پس از آن بر پیکر حزب وارد کرد، حزب کمونیست ترکیه موفق شده است پی گیری در فعالیت های حزبی را تضمین کند".

در جریان کنگره، رفیق حیدر کونلو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه، در رساله اوضاع کنونی آن کشور و جهان گزارش داد. کنگره برنامه و اساسنامه جدیدی به تصویب رساند و تمام نیروهای انقلابی کشور و اعضای حزب را به مبارزه در راه جاننشین ساختن یک حکومت ملی -

که سیاست های فرقه گرایانه و ماجراجویانه سازمان های انقلابی و تفرقه اندازی در صفوف خلق چه زیانهای فاجعه آمیزی برای انقلاب به بار می آورد، امروز دیگرانکار نادرستی این شیوه ها در برابر مردم ناممکن است. زحمتکشان و روشنفکران انقلابی اینک خود این زومه را سر داد هاند، که اگر همه گردان های انقلابی که یکی پس از دیگری، اما جدا از هم، به وسیله امپریالیسم جهانی و متحدان و کارگزاران داخلیش سرکوب شدند، در جبهه واحدی گرد آمده بودند، و خط مشی انقلابی یگانه ای در پیش می گرفتند، امکان موفقیت نیروهای وفادار به آرمان های انقلاب و شکست راست گرایان و تسلیم طلبان بسیار پیش از اینها بود.

تجربه اندوزی توده ها و ژرفش آگاهیی زحمتکشان و سازمان های انقلابی، پایه اعتدالی کیفیت جنبش انقلابی است. و حزب توده ایران در این عرصه نیز سهم شایسته خویش را ایفا کرده و می کند. آری: ایثار پایه تکامل تاریخ است" و در این راستا، حتی یک قطره خون هیچ شهیدی و یک روز زندان و یک ساعت شکنجه هیچ انقلابی رزمنده ای، به هدر نخواهد رفت!

دمکراتیک به جای رژیم نظامی حاکم بر کشور دعوت کرد. در پایان کار کنگره کمیته مرکزی جدیدی انتخاب شد و رفیق حیدر کونلو نیز بار دیگر به مقام دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه برگزیده شد.

"محاكمه" توده های ها در پیدادگاه های

بقیه از صفحه ۱۵

تشکیل دادگاه های فرمایشی، برای توده های های در بند، چیزی جز ننگ و نفرین برای برپا کنندگان آنها، به ارمان نخواهد آورد. امپریالیسم و رهبران ضد بشری ۱۰ می توانند توده های ها را آن گونه دستگیر، شکنجه و بازجوی کنند و این گونه به "محاكمه" بکشند، ولی مطلقاً قادر نیستند حکم محکومیتی که بشریت مترقی، به حق در مورد آنان صادر کرده تغییر دهند. این واقعیتی است که همواره، تاریخ داور نهایی است!

کارزار جهانی

بقیه از صفحه ۱۰

ضرورتی حیاتی است. در پایان نامه، خواست های زیر مطرح شده است:

- آزادی فعالیت برای سازمان های دمکراتیک زنان
- آزادی بلاد رنگ کلیه زنان سیاسی زندانی
- پایان صلح آمیز جنگ میان ایران و عراق.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در **شیکاگو** هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

راه توده

RAHE TUDEH
No. 71

Friday, 9. Dez. 83

Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Prices:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	DM Italy	600	L.
France	Fr. U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.